



# انترناسیونال ۴۰۶

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳ تیر ۱۳۹۰، ۲۴ ژوئن ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

## در همبستگی با مردم قهرمان

سوریه!



مردم شریف و انقلابی سوریه!

مبارزات شکوهمند و شجاعانه شما علیه یکی از وحشی ترین سرکوبها و حکومت‌های معاصر، ستایش و همبستگی همه مردم جهان را برانگیخته است. اما مردم ایران با دقت و علاقه وافر تلاش شما زنان و مردان سوری برای رهایی از شر حکومت بشار اسد و باند جنایتکار حاکم بر سوریه را دنبال میکنند. چرا که دولت سوریه متحد جمهوری اسلامی است و سرنگونی هریک از حکومت های دمشق یا تهران موج شادی و پیروزی را بیش از همه جا در بین مردم تحت ستم ایران یا سوریه بر خواهد انگیزد.

اجازه می‌خواهم به نمایندگی از مردم ایران که در سال ۸۸ قهرمانانه علیه جمهوری اسلامی بی‌خاستند و در واقع پیشقراولان انقلابات شورانگیز مردم تونس و مصر و سوریه و کشورهای دیگر بودند، با شما مردم انقلابی سوریه اعلام همبستگی کنم. ما به همراه مردم ایران قاطعانه در کنار شما ایستاده ایم و جنایات هولناک حکومت و ارتش اسد علیه شما را قویا محکوم میکنیم. ما میدانیم که رژیم اسلامی ایران هر آنچه که در توان داشته است در حمایت از رژیم سفک اسد و جریانات جنایتکار اسلامی نظیر حماس و حزب الله لبنان بکار برده و بکار میبرد. ما همواره این محور جنایت و ترور اسلامی بسرکردگی جمهوری اسلامی را محکوم کرده ایم و از مبارزات مردم فلسطین و تحت حاکمیت این باندهای جنایتکار دفاع کرده ایم. ما اعتقاد داریم مردم چه در قاهره و دمشق و چه در تهران و بغداد و چه در مادرید و آتن هم سرنوشت اند و باید از شر همه

صفحه ۱۰

## گفتمان انقلاب وارد تاریخ جهان شد

گفتگو با حمید تقوایی در مورد قطعنامه

تاثیرات انقلابات منطقه

روزهای اول متفاوت شده است. در مصر و تونس دولتهای بعد از انقلاب هرروز در برابر خواستهای مردم مقاومت میکنند و حتی دست به تعرض به مردم انقلابی زده اند. در لیبی قذافی بر سر کار است و روالی که دارد طی میشود شکل انقلاب را ندارد و حالت جنگ به خود گرفته است که یک

صفحه ۲

انترناسیونال: حمید تقوایی پلنوم ۳۶ کمیته مرکزی قطعنامه ای در رابطه با تاثیرات انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا تصویب کرد. در ابتدای این قطعنامه گفته میشود که این انقلابات مهمترین تحولات تاریخ معاصر است که میتواند چهره جهان را اساسا تغییر دهد. هم اکنون که صحبت میکنیم فضا کمی نسبت به

## سی خرداد، بی بی سی، و تحریف!

اسلامی. جمهوری اعدام و ارباب و اسلام. در میان رسانه های فارسی شاید بی بی سی بیش از همه به یادآوری این روز پرداخت. نکته جالب در این بازنویسی

صفحه ۱۰

مصطفی صابر

دوشنبه گذشته سی امین سالگرد سی خرداد بود. سی خرداد سال ۱۳۶۰ شمسی، سالروز تولد واقعی جمهوری

## صفحات دیگر

کارگران و مردم یونان تسلیم نمیشوند

شهلا دانشفر، صفحه ۱۴

اعتراضات مردم در اسپانیا ادامه دارد

شهلا دانشفر، صفحه ۶

تصاویری از نظاهرتهای روز جهانی حمایت از زندانیان

سیاسی در ۴۹ شهر جهان، صفحه ۱۱

قطعنامه به مناسبت ۲۰ ژوئن ۲۰۱۱ (۳۰ خرداد)، صفحه ۴

حمایت فرماسیون مرکزی س ژت (اتحادیه کارگران فرانسه)

از کارگران زندانی در ایران و کمپین من صدای او هستیم،

صفحه ۴

فراخوان خانواده بهنام ابراهیم زاده

زندان و دادگاه علیه فعالین کارگری

اعتصاب کارگران کشت و صنعت کارون شوستر

صفحه ۹

کلاهبرداری سیاسی در حاشیه... نازی برومند

صفحه ۸

## ما صدای تک تک زندانیان سیاسی هستیم

گفتگو با شیوا محبوبی به مناسبت ۲۰ ژوئن روز جهانی

حمایت از زندانیان سیاسی



چه بود؟ صفحه ۴

انترناسیونال: شیوا محبوبی اولاً هم شما و هم همه کسانی که در اکسیونهای جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی فعالیت کردید خسته نباشید. اولین سوال ما اینست که ارزیابی و تصویر شما از این حرکتی که در ۴۹ شهر جهان صورت گرفت چیست؟ و عکس العمل مردم در کشورهای مختلف در رابطه با زندانیان سیاسی در ایران

## جمهوری اسلامی آمر اصلی تجاوزهای گروهی است

نمونه های دیگرش در روستای قوژد، شهرستان کاشمر و دو محل دیگر بود. اخباری تکانهنده که موجی از اعتراض را برانگیخت. در خمینی صفحه ۸

شهلا دانشفر

یک خبر داغ و تکان دهنده دو هفته اخیر، تجاوز های گروهی در خمینی شهر و بعد هم برملا شدن

## بازی کثیف صندوق بین المللی پول

مقامات دولت احمدی نژاد نشستی برگزار کرده و در پایان این نشست هیات آئی ام اف گزارشی از وضعیت صندوق بین المللی پول، به ایران با

محمد شکوهی

اخیرا هیات اعزامی IMF

(صندوق بین المللی پول)، به ایران با

صفحه ۷

## بازتاب هفته

"روز تلخ" احمدی نژاد و روزهای تلخ تر رژیم

زندگی معلولین در بیغوله و رنج هرروزه

اعدام زن اندونزیایی، نمایش توحش اسلامی در عربستان

بهبور مهرآبادی

بازهم خبر تجاوز و دم خروس حکومت

دو بیمار رها شده و اعترافی بعد از انکار

یاشار سهندی

پادشاه مراکش نیز پیام انقلاب را شنیده است

محمد شکوهی

صفحات ۷-۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## گفتمان انقلاب وارد ...

از صفحه ۱



پای مهم آن ناتو و کشورهای غربی هستند. در سوریه رژیم بشار اسد در حال حملات هرروزه به تظاهر کنندگان است. در کشوری مثل یمن و بحرین هم هنوز تحول اساسی ای صورت نگرفته است. چگونه این حکم فوق که در قطعنامه آمده را با توجه به این اوضاع توضیح میدهید؟

حمید تقوایی: تحول اساسی همین بیدان آمدن توده های مردم و پچالش کشیدن دیکتاتورها است. هیچکدام از این انقلابات، حتی در مصر و سوریه هم که دیکتاتورها را فراری داده اند و دارند بحاکمه میکشند، هنوز بفرجام نرسیده است. اما نتیجه هر چه باشد خیزش توده های میلیونی مردم در منطقه یک فاکتور سیاسی مهم و کاملاً متفاوت از دوره قبل یعنی دوره پس از فروزی بلوک شوروی و یکه تازی میلیتاریسم نئوکنسرواتیسم غربی و اسلام سیاسی در بیست سال اخیر است. با قاطعیت میتوان گفت که انقلاب تونس و بدنبال آن موج انقلابات در منطقه به این دوره بیست ساله جنگ تروریستها نقطه پایان گذاشت. قطب سوم، یا همان جهان متمدنی که منصور حکمت در "دنیای بعد از یازده سپتامبر" به آن رجوع کرد و پرچم آنرا برافراشت، بیدان آمده است و به یک فاکتور سیاسی مهم در عرصه جهانی تبدیل شده است. این نه هنوز به معنی پیروزی مردم است و نه به معنی ختم تلاشهای ارتجاعی دو قطب تروریستی برای به انحراف و شکست کشیدن این انقلابات. اما در این تردیدی نیست که دیگر فضای سیاسی را در سطح جهانی، و بویژه در کشورهای زادگاه و حیات خلوت اسلام سیاسی و آزمایشگاه دموکراسی نظم نوینی، نه آلترناتیوهای رژیم چنجی، نسخه انقلاب مخملی، و لشگرکشیهای میلیتاریسم غربی تعیین میکند و نه ارتجاع اسلامی و تحرکات اسلامیستی چه در شکل غرب ستیزی و تروریسم "ضد آمریکائی" و چه اسلام سیاسی کنار آمده با غرب از نوع کزازی و مالکی و غیره. دوره فعال مایشانی اینها به سر رسیده است و حضورشان در سیاست کاملاً تحت الشعاع خیزشهای توده ای مردم در کشورهای اسلامزده قرار گرفته است. تا آنجا که به دولتها و بورژوازی غرب مربوط میشود سیاست اینها از سر گذراندن این موج انقلابات با کمترین تغییرات ممکن است.

انقلابات نه حزب الله کاره ای بود و نه اخوان المسلمین و نه القاعده و جمهوری اسلامی. مانیفست این انقلابات در واقع مانیفست جوانان غزه در محکومیت سازمان ملل و دولتهای غربی و اسرائیل و حماس و اسلام سیاسی بود که حدود یکماه قبل از انقلاب تونس روی اینترنت منتشر شد و با استقبال وسیعی روبرو شد. (با شروع انقلاب مصر حماس از تظاهرات حمایتی همین جوانان درغزه جلوگیری کرد). خواست و شعارها و مضمون این انقلابات نیز کمترین ربطی به غرب ستیزی و ضد آمریکائی گری نوع اسلامی نداشت. البته در اینجا هم جمهوری اسلامی و یا بعضی نیروهای اسلامی در خود این کشورها سعی کردند جلو بیافتند و مساله را تقابل اسلام و شیطان بزرگ وانمود کنند ولی حتی خوشان هم ادعاهایشان را جدی نگرفتند. امروز بخصوص به یمن خیزش انقلابی مردم سوریه بر همه معلوم شده است که این موج عظیم انقلابی در منطقه نه تنها تاثیری از اسلام سیاسی پذیرفته بلکه تماماً در مقابل آنست. بر مبنای این واقعیات روشن است که قطعنامه انقلابات منطقه را یک تحول اساسی در شرایط سیاسی دنیا ارزیابی میکند.

انترناسیونال: اما افول اسلام سیاسی و نئو کنسرواتیسم مدتها قبل از شروع انقلابات منطقه آغاز شده بود. در ادبیات حزب ما به دفعات این واقعیت توضیح داده شده است. چرا قطعنامه تاثیر این انقلابات را در پایان بخشیدن به دوره جنگ تروریستها برجسته میکند؟

حمید تقوایی: بله سیر افول میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی و تروریسم اسلامی از مدتها قبل آغاز شده بود اما فاکتور قدرت توده مردم هنوز جای برجسته ای در معادلات سیاسی نداشت. بوش جای خود را به اوپاما داده بود و استراتژی "جنگ تمدنها" به "گفتگوی تمدنها" تبدیل شده بود. اوپاما خطاب به نیروهای اسلامی پیام داد که اگر مشتتهای گره کرده تان را باز کنید دستتان را خواهیم فشرده. در کمپ مقابل هم از همان دوره بوش شاخه "خوش خیم" اسلام سیاسی شکل گرفته بود. اسلامیون نوع کزازی-مالکی-مقتدا صدر وملاهای کراواتی در پایتختهای اروپائی، یعنی شاخه سیاسی تروریسم اسلامی، بجلو رانده شده بودند و حتی

به بازی گرفتن طالبان وارد محاسبات سیاسی غرب در افغانستان شده بود. به این ترتیب گرچه از یکسو بوشیسم و خط میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی، که دیک چینی را میتوان بهترین نماینده آن دانست، و از سوی دیگر القاعده و بن لادن، حاشیه ای شده بودند اما ابتکار عمل در سیاست و فرهنگ سیاسی همچنان در دست دو قطب تروریستی بود و چهره سیاسی دنیا را همچنان بازیگران این دو قطب ارتجاعی، ترسیم میکردند.

با بیدان آمدن توده مردم در تونس کل این بساط جنگ و ترور و مذاکره و دیپلماسی بین شاخه های مختلف اسلام سیاسی و استراتژیستهای مختلف بورژوازی غرب در هم ریخت. همانطور که بالاتر اشاره کردم انقلابات منطقه فاکتور قدرت و دخالتگری توده مردم - یعنی عاملی که حتی در دیپلماسی مذاکره و سازش بین دو کمپ ارتجاعی هیچ جایی نداشت و از جانب هر دو کمپ صرفاً بعنوان پیروان ملاها و مشایخ مذهبی قبیله ای، بعنوان "امت اسلامی" و یا فاکتور جوامع اسلامی متعلق به "تمدن و فرهنگ دیگر" در نظر گرفته میشد - را وارد صحنه سیاست کرد. و بسرعت معلوم شد نه عربیت و اسلامیت در آرمانها و آرزوهای مردم نقشی دارد و نه سرمایه داری بازار آزاد و دموکراسی نظم نوینی. این موج انقلابی در واقع انفجار خشم مردمی است که از سلطه سیاه نیروهای هر دو قطب تروریستی - از حماس و بشار اسد اسلامی تا مبارک و بن علی آمریکائی و تا قذافی بینابینی - به تنگ آمده اند. مردمی که خواست و آرمانشان، "نان و آزادی و کرامت انسانی"، نه تنها بوسیله دو قطب اسلامیسیم و دموکراسی بازار آزاد نمایندگی نمیشود بلکه، همانطور که مانیفست جوانان غزه اعلام کرد، در واقع کیفرخواستی علیه هر دو کمپ ارتجاع جهانی است.

با این توضیحات امیدوارم اهمیت انقلابات منطقه در متحول کردن اوضاع سیاسی جهان به نفع مردم و به ضرر دو قطب ارتجاعی که دنیا را به عرصه کشاکش خود تبدیل کرده بودند روشن باشد. بحث را میتوانم اینطور خلاصه و جمع بندی کنم که گرچه سیر نزولی دو قطب تروریستی از مدتها قبل آغاز شده بود اما طوفان انقلاب در منطقه نقطه عطف بسیار تعیین کننده ای در این سیر نزولی بود. نقطه عطفی که قطب سوم، یعنی توده مردم

خواستار آزادی و برابری و رفاه را بعنوان یک قدرت غیر قابل چشم پوشی وارد معادلات سیاسی در منطقه و در دنیا کرد.

انترناسیونال: در قطعنامه به این که گفتمان انقلاب به گفتمان جهانی تبدیل شده و حقانیت و مطلوبیت انقلاب در یک مقیاس جهانی اشاره شده است. فکر میکنید تاثیر این گفتمان بطور واقعی در فضای کشورهای مختلف جهان چیست؟ یعنی مثلاً دنیا به طرف انقلابات میروند؟ یا جو و فضای مبارزات رادیکال تر و تند تر میشود؟ یا نتایج دیگری به دنبال دارد؟

حمید تقوایی: یک ویژگی دوره بیست ساله بعد از شوروی مذموم شمردن انقلاب و آرمان و ایده های انقلابی بود. بورژوازی سرمست از پیروزی بر سرمایه داری دولتی شوروی، سرمایه معرفی میکرد. آزادی، آزادی رقابت سرمایه ها و دموکراسی، شریک شدن شیوخ مذاهب و قبایل در دولت معرفی میشد. در سطح فلسفی متفکرین بورژوازی جهانی حتی ارزشهای جهانشمول انسانی را انکار میکردند. نظرانی مثل نسبیت فرهنگی و مالتی کالچرالیسم (چند فرهنگی گری)، مردم را حتی در خود کشورهای غربی به مذاهب و قومیتها و ملیتهای مختلف تقسیم میکردند و جامعه مدنی را مجموعه ای از فرهنگها و مذاهب و تمدنهای مختلف که "همدیگر را تحمل میکنند" قلمداد و معرفی میکردند. این مدل جامعه موزائیکی، که در واقع نسخه پست مدرنیستی و نئولیبرالی جوامع قرون وسطائی بود، در عراق و افغانستان و دیگر جوامع با "فرهنگ غیر غربی" به دولت کزازی و لویا جرگه و دولت ائتلافی شیعه و سنی و کرد و عرب ترجمه میشد و در خود جوامع غربی به رواج مسجد سازی و دادگاههای شریعه و چشم پوشی از قتلها ناموسی. در هر حال آنچه از کل این سیستم غایب بود هویت انسانی شهروندان و ارزشهای جهانشمول انسانی مثل آزادی و برابری و رفاه و کلا فرهنگ مترقی و انقلابی و متمدنانه بود. خیزش میلیونی مردم کشورهای اسلامزده برای "نان و آزادی و کرامت انسانی" کل این بساط فکری-سیاسی فوق ارتجاعی بورژوازی نظم نوینی را در هم ریخت. یک بار دیگر انقلاب به معنی واقعی و رادیکال و انسانی خودش، و نه به

## گفتمان انقلاب وارد ...

معنای تحریف و مسخ شده "انقلابات مخملی"، وارد تاریخ شد و بر همه معلوم شد که توده مردم محروم مصری و تونس و سوریه ای برای تحقق همان خواستها و آرمانهایی بسا خاسته اند که همه مردم متمدن در سراسر جهان خواهان آن هستند. کارگران و یسکونین آمریکا، و مردم معترض در اسپانیا و یونان و فرانسه، که اساسا بکمک اینترنت خود را سازمان می‌دهند و در میدان تحریرهای خود نان و آزادی را فریاد می‌زنند در واقع اعلام می‌کنند که نه تنها گفتمان انقلاب و ارزشها و آرمانهای انسانی، بلکه تاکتیکها و شیوه‌ها مبارزه نیز جهانی اند. به نظر من یک تاثیر مهم انقلاب خاورمیانه و شمال آفریقا نوع اعتراضاتی است که امروز در خود کشورهای غربی شاهد آن هستیم. در میدان سل مادرید اعتراض مردم صرفا به سیاست ریاضت کشی اقتصادی و بیکاری و بی‌تامینی نبود بلکه کل سیستم سیاسی و دموکراسی را مورد سنووال و اعتراض قرار میداد. یک فعال میدان سل به خبرنگاران گفت "رویای ما از صندوق رای بیرون نیامید". این حرف دل همان فعال میدان تحریر است که بعد از سقوط مبارک به خبرنگار بی بی سی که می‌رسید چرا به دولت طنطاوی مهلت نمی‌دهید انتخابات را برگزار کند جواب داد دموکراسی فقط انتخابات و پارلمان نیست. البته حرکات اعتراضی که امروز در کشورهای اروپایی در حال شکل گرفتن است هنوز به انقلاب انکشاف نیافته اما از نظر مضمون بسیار رادیکال تر از اعتراضات معمول در این جوامع حتی در مقایسه با اعتراضات دهه شصت (مانند خیزش جوانان و دانشجویان پاریس در سال ۶۸) است. فروپاشی وال استریت اعلام بن بست و بی‌افقی اقتصادی سرمایه داری بازار آزاد برای توده مردم بود و انقلابات منطقه اعلام ورشکستگی سیاسی و بن بست دموکراسی حتی در خود کشورهای غربی. از این نقطه نظر میتوان گفت که این انقلابات آغازگر یک موج اعتراض سیاسی به نظامهای سرمایه داری است. این که این موج عمیقتر و وسیع تر میشود و یا به عقب رانده میشود به فاکتورهای متعددی بستگی دارد که بحث جداگانه ای می‌طلبد اما نکته مهم، و شورانگیز برای ما انقلابیون کمونیست، اینست که در

## از صفحه ۲

تاریخ معاصر هیچگاه شرایط سیاسی و اقتصادی برای بچالش کشیده شدن سرمایه از جانب توده های کارگر و مردم محروم جامعه به اندازه امروز مساعد و مهیا نبوده است.

انترناسیونال: فکر نمیکنید انقلابات اخیر یک مقداری تصویر انقلاب را نسبت به آنچه تاکنون شناخته میشد عوض کرده است؟ آیا این تاثیری بر خط و جهت گیری و فعالیت حزب کمونیست کارگری دارد؟

حمید تقوائی: به نظر من یک ویژگی مهم این انقلابات درهم شکستن تصویر قدیمی و شاید بتوان گفت کلاسیک از انقلاب است. اینها انقلابات قرن بیست و یکم اند و نمیتوان با همان شاخصها و معیارها و تصویری که به سراغ آنها رفت که از مطالعه و بررسی و تحلیل انقلابات قرن نوزده و یا قرن بیست بما باثرب رسیدند. دینامیسم و مکانیسمهای این انقلابات کاملا از انقلابهای گذشته متفاوت است.

همانطور که در قطعنامه آمده یک خود ویژگی مهم انقلابات جاری خودسازماندهی و خود گزارشگری آنهاست. ما نه در عصر چاپخانه نینا زندگی میکنیم و نه حتی در عصر رادیو و تلویزیون تحت کنترل طبقه حاکمه و انحصار دولتها بر رسانه ها. عصر ما عصر مدیای اجتماعی است؛ عصر تویتر و فیسبوک و اینترنت و بلوتوث و تلفنهای هوشمند است. و این تکنولوژی هم از نظر سازماندهی و هم گزارشدهی و آگاه و مطلع کردن توده مردم جهان از تحولات روزروز انقلاب شرایط را به نفع کمپ انقلاب و به ضرر دولتها و نیروهای ضد انقلابی کاملا متحول کرده است.

به نظر من انقلاب الکترونیکی و انفورماتیک در دو دهه آخر قرن گذشته نقش کلیدی در شکل دهی به انقلابات جاری داشته است. انقلاب الکترونیکی و کامپیوتریزه شدن تولید از یکسو به انحصار بیش از پیش قدرت و ثروت در دست یک اقلیت ناچیز و فقر و بیکاری و بی‌تامینی توده های میلیونی در سراسر جهان منجر شد (بیل گیتسها در مقابل محمد بوعزیزی ها) و از سوی دیگر به همین توده های میلیونی امکان داد که با یکدیگر مرتبط شوند، بخود سازمان بدهند، بمیدان بیابند و صحنه های نبرد خود را به جهانیان مخابره کنند. مارکس

میگوید در مقاطعی در تاریخ رشد نیروهای مولده به جایی میرسد که با مناسبات تولیدی در تناقض میافتد و آنگاه دوره ای از انقلابات آغاز میشود. ما در یکی از این مقاطع زندگی میکنیم و انقلاباتی که مشاهده میکنیم خود حاصل رشد جهشی نیروهای مولده در اثر انقلاب الکترونیکی است. این انقلاب تکنولوژیک در دو سطح سیاسی و تکنیکی موجد و زمینه ساز انقلابات جاری است. از لحاظ سیاسی تناقض میان رشد نیروهای مولده و مناسبات سرمایه داری در این واقعیت تلخ خود را نشان میدهد که علیرغم رشد بیسابقه قدرت تولیدی بشر در دهه گذشته، فقر و بی‌تامینی توده های میلیاری مردم جهان و شکاف میان فقیر و غنی بمراتب عمیق و گسترش پیدا کرده است. تولید ثروت چندین ده برابر شده اما حاصل آن برای توده مردم کارگر و زحمتکش فقر و بیکاری و بی‌تامینی و ریاضت کشی اقتصادی و سفت کردن بیشتر کمربندها است. این واقعیت در پایه ای ترین سطح زمینه ساز اعتراضات و انقلاباتی است که امروز از خاورمیانه و تا یونان و اسپانیا را در بر گرفته است. تحولی که چندی قبل، در مقطع فروپاشی وال استریت، بانک جهانی بعنوان شورش گرسنگان آنرا پیش بینی کرده و به دولتها هشدار داده بود.

از نظر تکنیکی انقلاب الکترونیکی، یعنی همان تحول زیر و رو کننده ای که قدرت تولید بشری را در عرض یک دهه چندین ده برابر کرد، امکان انقلاب علیه مناسبات تولیدی که تولیدکنندگان مستقیم را از شرم کارشان محروم میکند را نیز فراهم آورد. مدیای اجتماعی، اینترنت و مدیای اینترنتی، انحصار طبقه حاکم به رسانه ها را در هم شکست و بمردم امکان داد مستقیما با یکدیگر ارتباط برقرار کنند همدرد و همراه شوند و بمیدان بیابند. بمردم امکان داد جهانیشان را از درها و آرمانها و مبارزات خود مطلع کنند و همه دیدند و خواندند و شنیدند که توده مردم دنیا اعتراض و خواست و آرمان مشترکی دارند. معلوم شد نه تنها تکنولوژی - کامپیوتر و اینترنت و ماهواره و تلفن هوشمند و غیره- بلکه آرمانها و آرزوهای مردم نیز جهانی و مشترک است. از وائل غنیم مصری تا ایگناسیو گارسیا اسپانیایی یک حرف دارند و فعال یک جنبش اند، فعال جنبش گرسنگان یا آرزوهایی که "از

صندوق رای بیرون نمی آید".

این ویژگی خودسازماندهی و خود گزارشگری انقلابات از لحاظ سیاسی قدرت عظیمی به مردم میدهد. بعنوان نمونه تجربه تونس و مصر نشان میدهد که توده مردم انقلابی بی آنکه از رهبری انقلابی و حزبی برخوردار باشند میتوانند دیکتاتورهای سخت جان و چند دهساله را سرنگون کنند. یکسال پیش، حتی چند ماه قبل از انقلاب تونس، من و شما معتقد بودیم بدون هژمونی و رهبری یک حزب رادیکال انقلابی - که در عصر ما یعنی کمونیستها- امثال بن علی و مبارک را نمیشود برکنار کرد. امروز تجربه تونس و مصر نشان میدهد که این امر ممکن است. به نظر من این دو نمونه نه استثنای بلکه قاعده انقلابات عصر اینترنت هستند.

این واقعیت - یعنی امکانپذیری ساقط شدن دیکتاتورها بوسیله مردم خود سازمانیافته- در عین حال ضرورت رهبری سیاسی این انقلابات را بیش از پیش برجسته میکند. اگر در دوره های قبل سازماندهی و رهبری سیاسی هر دو بدون حزب و یا در حال یک نیروی رهبر- سازمانده ممکن نبود امروز که سازماندهی توده مردم به یمن اینترنت و بلاگرهایی نظیر وائل غنیم و ایگناسیو گارسیا ممکن شده است ضرورت رهبری سیاسی انقلاب بیش از پیش برجسته و تعیین کننده میشود.

تجربه مصر و تونس هم نشاندهنده قدرت مردم در بر انداختن دیکتاتور است و هم ضعف آنان در درهم کوبیدن کل رژیم و نظام موجود. فائق آمدن بر این ضعف تماما مستلزم در صحنه بودن یک حزب و نیروی انقلابی است. نیروی که نقد و اعتراض مردم به وضع موجود را تعمیق کند، دست به ریشه ببرد و علت واقعی مصائب و رنجهای مردم یعنی نظم سرمایه داری را افشا و رسوا کند. نیروی که خواست و آرمان توده مردم را به سیاست به پلاتنفرم و برنامه ترجمه کند، به حرکت مردم جهت واقف بدهد و از جانب توده مردم انقلابی بعنوان آلترناتیو قدرت سیاسی شناخته و انتخاب بشود. این در یک کلام یعنی ضرورت وجود جنبش و حزب کمونیست کارگری برای به پیش راندن و به پیروزی رساندن نهائی این انقلابات. من این نکته را در نوشته "قدرت مردم و مساله رهبری حزبی در انقلابات عصر اینترنت"

" انترناسیونال شماره ۳۹۰ ) نسبتا به تفصیل توضیح داده ام. و توجه خواننده علاقمند را به این نوشته جلب میکنم.

بخشی از سئوالان درباره تاثیر این انقلابات بر خط و جهت گیری و فعالیت حزب بود. تا آنجا که به خط و جهتگیری حزب مربوط میشود باید بگویم این انقلابات در واقع تاکید دیگری بود بر افق و سیاستی که همیشه حزب ما دنبال میکرده است. نه تنها در سطح آرمانی و اهداف بلند مدت- که در این سطح هر حزبی که خود را کمونیست مینامد انقلابی و طرفدار انقلاب است- بلکه در شرایط مشخص عصر حاضر و دوره بعد از فروپاشی شوروی ما همواره میشد و مبلغ ارزشها و آرمانهای انقلابی و جهانشمول مردم - در نقد و در مقابل تزهانی نظیر نسبییت فرهنگی و غیره- برچمدار جهان متمدن در مقابل دو قطب تروریستی و مبلغ و اشاعه دهنده ضرورت و میرمیت و مطلوبیت انقلاب بعنوان تنها راه رهایی بشریت از جهنمی که سرمایه و نظم نوین سرمایه داری، دموکراسی و بازار آزاد، برای ساکنین کره ارض برپا کرده است بوده ایم. و امروز به یمن انقلابات و اعتراضات جاری این خط و جهت حزب مقبولیت جهانی یافته و زمینه بسیار مساعدی برای جذب توده های میلیونی مردم از التحریر تا میدان سل و از میدان آزادی سلیمانیه تا میدان باستیل پاریس پیدا کرده است. ازینرو انقلابات جاری زمینه فعالیت حزب را بسیار بیشتر و وسیعتر از گذشته فراهم کرده است. در بخش دوم قطعنامه وظایف مشخصی که این انقلابات در برابر احزاب کمونیست انقلابی نظیر حزب ما قرار میگیرد بر شمرده شده است. این لیست وظایف در واقع اتکا بر درسا و دستاورهای انقلابت جاری در جهت فعالیت بیشتر و وسیعتر و همه جانبه تر برای تحقق استراتژی اعلام شده حزب ما است: درهم شکستن سرمایه داری و برپائی یک جامعه آزاد و برابر و مرفه انسانی بقدرت انقلاب مردم.

انترناسیونال: حمید تقوائی ممنون که در این بحث شرکت کردید. امیدوارم که بتوانیم در مورد بخش دوم قطعنامه یعنی استنتاجات هم که اشاره کردید در شماره های بعدی با شما گفتگویی داشته باشیم.\*

## ما صدای تک تک زندانیان ...

از صفحه ۱

شیوا محبوبی: برگزاری ۳۰ خرداد (۲۰ ژوئن)، روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی بنظر من حرکت بسیار مهم و موفق بود. این حرکت چند ویژگی داشت: اول اینکه این حرکت توانست تعداد بسیار زیادی از نهادها و افراد مدافع آزادی زندانیان سیاسی را در یک حرکت مشترک جمع کرده و یک صدا برای اولین بار در ۴۹ شهر دنیا صدای زندانیان سیاسی و خانواده هایشان را به گوش جهانیان برساند. این حرکت توانست علی‌رغم سکوت رسانه ها و دول غربی در رابطه با وضعیت زندانیان سیاسی در ایران و احکام اعدام، توجه و حمایت هزاران نفر را عمدتاً در کشورهای مختلف در اروپا و آمریکای شمالی بار دیگر به مسئله زندانیان سیاسی و خانواده هایشان جلب کند. عکسهای زندانیان سیاسی را در قلب این کشورها به نمایش گذاشته و توجه ها را به جنایات رژیم اسلامی جلب کند. ویژگی دیگر این روز در این بود این تاریخ بر دو مقطع مهم تاریخی در رابطه با زندانیان سیاسی انگشت می‌گذارد. یکم دستگیریهای وسیع در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ در ایران و قتل ندا آقا سلطان و دوم دستگیری و کشتار وسیعی که از سوی رژیم در مقطع ۳۰ خرداد ۱۳۹۰ صورت گرفت. من در پیامهایم و در همچنین در مصاحبه های تلویزیونی و رادیویی به این دو مقطع اشاره کردم.

برگزاری ۳۰ خرداد- روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی- نشان داد که چه پتانسیل وسیعی برای جلب نیرو و همبستگی جهانی در دفاع از زندانیان سیاسی وجود دارد. در تمام شهرها مردم و نهادهای ایرانی از این روز استقبال کردند چه از طریق شرکت در تظاهراتها، ارسال نامه اعتراضی، امضای طومار، ارسال کارت پستالهای "من صدای او هستم"، ارسال بیانیه حمایتی و امثال اینها. این قابل توجه بود که مادر فرزند کمانگر و مادر عبدالله و محمد فتحی و چند تن از زندانیان سیاسی سابق به مناسبت این روز پیام دادند. در عین حال من به پارلمان اروپا و دولت هلند، کانادا و انگلستان و

شیوا محبوبی: مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی جریان دارد و گسترش پیدا کرده است اما به نظر من اصلاً کافی نیست. هنوز دولتها و سازمانهای جهانی فشاری را که باید از سوی مردم احساس کنند نکرده اند. هنوز یک همبستگی جهانی قوی و موثر که حرف اول را در دفاع از تمامی زندانیان سیاسی ایران بزند به شکلی که لازم است بوجود نیامده است. سران رژیم در کمال وقاحت هنوز اجازه دارند که به خارج از ایران مسافرت کنند و در لانه های جاسوسیهای رفت و آمد کنند. جایگاه و اهمیت مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در اوضاع کنونی ایران تنها برای آزادی زندانیان سیاسی و حمایت از خانواده هایشان نیست. این مبارزه یکی از ارکان اصلی جنبش برای سرنگونی است و پیشروی این مبارزه تاثیر زیادی در هم شکستن تلاش رژیم برای سرکوب کارگران، دانشجویان، زنان و سایر اقشار جامعه دارد. من فکر میکنم اگر ما به مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به شکلی که اشاره کردم نگاه کنیم آنوقت احساس مسولیت بیشتری میکنیم و قدمهای جدیتری برمی‌داریم. آنوقت آزادی زندانیان سیاسی فقط مسئله خانواده زندانی یا تعدادی محدود نخواهد بود بلکه امر تک تک ما خواهد بود چرا که به

زندگیمان، آزادیمان و سرنوشت نسل بعدی ربط دارد.

حرکت ۳۰ خرداد روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی، صرفاً برگزاری یک تظاهرات نیست. این یک روز تاریخی است که ما میخواهیم تا سرنگونی رژیم اسلامی این روز را هر چه وسیعتر برگزار کرده و در پرتو آن فشار وسیع و موثری روی رژیم برای آزادی زندانیان سیاسی بیاوریم. این باید روزی ثبت شده مانند اول ماه مه و روز زن و روز دانشجو باشد تا جنایاتی را که رژیم مرتکب شده مقابل چشم جهانیان گذاشته و یک همبستگی جهانی را در حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده هایشان تداوم بخشد. تنها با دخالت تک تک ما که قلبمان برای آزادی میتیست این امر امکان پذیر است.

انترناسیونال: در داخل ایران فکر میکنید چه کارهایی میشود و باید انجام داد؟

شیوا محبوبی: در داخل ایران طبعاً مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی خیلی فراگیر شده است و تقریباً هر نهادی که بخواهد نشان بدهد با جنبش مردم همراه است شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را جزو خواسته ها و شعارهایش قرار میدهد. این بسیار عالی است. اما من فکر میکنم که این مبارزه باید مقداری متشکل تر باشد. باید به شکل روز مشخص، مناسبت مشخصی باشد و اعلام ۳۰ خرداد روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی از سوی ما در راستای همین نیاز بود.

در ایران خانواده های زندانیان سیاسی و جانباختگان نقش تعیین کننده ای دارند. در بین این خانواده ها یک همبستگی اعلام نشده ای همیشه وجود داشته است اما این همبستگی و همدردی باید شکل بارزتر، موثرتر و متشکلتری به خود بگیرد. میشود کارزار خانواده های زندانیان سیاسی و جانباختگان به راه انداخت که مطمئناً حمایت وسیع مردم را به خود جلب میکند. رژیم از تشکل وحشت دارد. باید تجمع در مقابل زندانها از سوی مردم یک حالت سیستماتیک به خود بگیرد. مثلاً یک روز مشخص را در ماه یا هفته برای این کار انتخاب کنند. این

## حمایت فرماسیون مرکزی س ژت (اتحادیه کارگران فرانسه) از کارگران زندانی در ایران و کمپین من صدای او هستم

بدنبال تلاشهای یدی کوهی از کادریهای حزب کمونیست کارگری ایران در فرانسه، روز ۲۲ ژوئن در نشستی با اعضای فرماسیون مرکزی س ژت، تعدادی از کارگران و فعالین این اتحادیه همبستگی خود را با کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران و با کمپین من صدای او هستم و نیز روز ۲۰ ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی اعلام داشتند



حتی ضربه پذیری خانواده ها را از سوی رژیم کمتر میکند. ما به سهم خود به همراه هزاران هزار مردم آزادخواه در خارج از ایران صدا و پیام این عزیزان را به گوش دنیا میرسانیم و یک همبستگی جهانی را

در حمایتشان بوجود آورده و خواهیم آورد. ما صدای تک تک زندانیان سیاسی و خانواده هایشان بوده و خواهیم بود و نمیکذاریم صدایشان را خاموش کنند. \*

## قطعهنامه به مناسبت ۲۰ ژوئن ۲۰۱۱ (۳۰ خرداد) روز سراسری حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

ما امضا کنندگان زیر:

- خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و توقف اعدامها در ایران هستیم.
- خواهان آزادی بیان و عقیده، حق تجمع، تشکل، اعتصاب، آزادی داشتن و نداشتن مذهب هستیم.
- از همه دولتها میخواهیم جمهوری اسلامی را بخاطر جنایاتش محکوم کنند و خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی شوند. ما هرنوع سکوت، همکاری و مماشات دولت ها در مقابل جنایات جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکنیم.
- خواهان انزوای سیاسی و دیپلماتیک کامل جمهوری اسلامی، و اخراج نمایندگان از سازمان ملل، سازمان جهانی کار و کلیه نهادهای بین المللی هستیم.
- خواهان بسته شدن سفارتخانه های جمهوری اسلامی هستیم.
- خواهان محاکمه عاملان و آمران کشتار، تجاوز و شکنجه و اعدام صدها هزار نفر در ایران در طول ۳۲ سال گذشته میباشیم.

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۸۹۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

# نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## بازتاب هفته

### "روز تلخ" احمدی نژاد و روزهای تلخ تر رژیم



بهروز مهر آبادی

مجتبی ذوالنور جانشین خامنه ای در سپاه پاسداران در يك سخنرانی گفت احمدی نژاد و مشایب مثل دوقلوهای بهم چسبیده هستند که اگر از هم جدا شوند، می میرند. اما با این وجود عمل جراحی جداسازی این دوقلوها آغاز شده و در حال پیشرفت است. روز سه شنبه محمد شریف ملک زاده هنوز سه روز از پست جدید او بعنوان معاون اداری و مالی وزارت خارجه نگذشته بود، که ناچار به استعفا شد. او از نزدیکان مشایب، از همکاران احمدی نژاد و دبیر شورای عالی ایرانیان مقیم خارج از کشور است. این شورا يك کانون مهم باند احمدی نژاد و یکی از کانالهای تماس های آن با خارج کشور است که چندین ماه است زیر فشار مجلس و باند خامنه ای قرار دارد. احمدی نژاد بی اعتنا به نظر ولی فقیه در يك سال گذشته دست به تغییراتی در وزارت امور خارجه زد. تعداد زیادی از سفیران را تغییر داد و تلاش کرد روابط و معاملات خارجی را از طریق اطرفیان خود و شورای ایرانیان خارج کشور به پیش ببرد. مجلس چند ماه قبل رای به قطع بودجه این شورا داد و هیئت تحقیق و تفحص در مورد "شورای عالی ایرانیان" تشکیل داد تا بساط این شورا را جمع کند و یا آن را از دست مشایب درآورد. هر چند که وزرا در تعیین معاونین خود آزاد هستند، اما در جمهوری اسلامی این دیگر روال کار نیست. انتخاب ملک زاده بلافاصله با واکنش مجلس رویرو شد و فرصت مناسبی برای استیضاح وزیر خارجه فراهم شد. در طرح استیضاح صالحی وزیر خارجه با امضای ۳۳ نفر از اعضای مجلس اسلامی، نوشته شده است: "هیچ وزیری حق ندارد فردی را به معاونت نصب کند که اکثریت همکارانش در دوره مدیریت قبلی وی بازداشت شده و خود

همان مردمی است که فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای و مرگ بر احمدی نژاد سر دادند. اما فشار اعتراضات و خشم و نفرت همین مردم تقابل بسیار حادتر آنها در آینده نزدیک را نیز گریز ناپذیر ساخته است. نه فقط احمدی نژاد بلکه کل جمهوری اسلامی باید منتظر روزهای تلخ تری باشد.\*

### زندگی معلولین در بیغوله و رنج هرروزه بهروز مهر آبادی

لازم نیست به ارقام و آمار ارگانهای رسمی جمهوری اسلامی استناد کنیم. لزومی ندارد به بررسی بازی مسخره و ضد انسانی صندوق بین المللی پول و گزارش تشویق آمیز آن از موفقیت جمهوری اسلامی در قطع سوسیدها بپردازیم. فقط خواندن گزارش يك روزنامه مجاز جمهوری اسلامی می تواند ما را به عمق فاجعه ای که رژیم جامعه را در آن فرو برده، واقف کند. وقتی که سران رژیم در متن جدال های خود دست یکدیگر را در باره دزدی های چند صد میلیاردری رو می کنند و ثروت های افسانه ای یکدیگر را افشا می کنند، وقتی بخش بزرگی از دسترنج زحمتکشان صرف تجهیزات سرکوب و هزینه اوباش رژیم در اونیفورم های مختلف و یا با لباس شخصی می شود، وقتی که عضو مجلس اسلامی احمد توکل خیر از خرید ساعت ۴۵ میلیون تومانی و اتومبیل ۱۶۰ میلیون تومانی یکی از آقازاده ها می دهد، آشکارا فاجعه ای در سوی دیگر دارد رقم زده میشود و آن نابود کردن زندگی مردم است. این گزارش تکان دهنده نمونه ای از فقر و فلاکتی را نشان می دهد که رژیم اسلامی جامعه را دچار آن کرده و به تنهایی می تواند ادعای آن ای بر علیه جمهوری اسلامی و سران آن در هر دادگاه باشد.

"گزارشی از مرگ تدریجی ۷۰ معلول" عنوانی است که روزنامه خراسان سه شنبه ۳۱ خرداد برای این گزارش تکان دهنده، انتخاب کرده است که روایتی است از روستای ضامنجان با ۱۸۵۰ نفر جمعیت در ۱۵ کیلومتری اراک دومین قطب صنعتی کشور. اعظم حسینجانی مجری طرح کمک به معلولین بهزیستی CBR تاکنون ۷۰ معلول

را در این روستا شناسایی کرده است، از این عده ۱۷ نفر معلول ذهنی، ۱۳ نفر معلول روانی، ۹ نفر دچار صرع، ۴ نفر نابینا، ۱۱ نفر کر و لال و ۱۴ نفر معلولیت حرکتی دارند. آنها در آلودگی هایی از خشت و گل فاقد آب، توالت و حمام زندگی می کنند و از خدمات درمانی، بیمه و یا هر کمک اجتماعی دیگر محروم هستند. اعظم حسینجانی می گوید: "با دیدن فقر و محرومیت و تنگدستی از يك سو و به فراموشی سپرده شدن این انسانهای دردمند، بر آن شدم به گونه ای شور زندگی را با مهارت آموزی و ایجاد خودباوری در آنها ایجاد کنم اما با دستان خالی و تنهایی نمی توانستم به همین دلیل از تنها متولی معلولان "بهزیستی" درخواست کمک کردم اما کارشناس توان بخشی اداره شهرستان اراک گفت فعلا اعتبار نداریم. اگر برسد می توانیم ۸۰۰ هزار تومان وام بدون برگشت بدهیم." او را به صندوق مهر رضا حواله می دهند اما این مرکز جمع صدقه هم به او کمکی نمی کند. مسئولان استانداری و جهاد سازندگی هم مشغول زد و بند ها و غارت های میلیاردری خود هستند و به او جوابی نمی دهند. در این گزارش تکان دهنده می خوانیم که ۲۴ نفر از این معلولین خود سرپرست خانواده هایی هستند که در فقر مطلق بسر می برند. نعمت یکی از آنها است که تحت حمایت کمیته امداد است. مستمري او هر سه ماه يكبار ۶۰ هزار تومان و گاهی لباس های نيمدار و مندرس است. همسر او می گوید: "نعمت کارگر کوره پزخانه بود. آنقدر در گل خیس پا زد که روماتیسم گرفت اما چون هزینه درمان نداشتیم دست و پایش تغییر حالت داد و خشک شد و پس از يك سکنه مغزی به کلی حرکت را از دست داد. نعمت دو سال است که دیگر دارو مصرف نمی کند چون نمی تواند هزینه های آن را تامین کند." دختر نعمت ترك تحصیل کرده است. سمانه کودک يك ساله با عارضه کلیوی که مادرش روانی و فراری است و پدرش زندانی. پدر بزرگ و مادر بزرگ فقیرش هزینه درمان او را ندارند و هر لحظه با پیشرفت بیماری انتظار مرگ او را می کشند. عباس نوزاد ۴ ماهه با حفره ای در قلب

متولد شده و در فقر مطلق در خانه ای کوچک و حقیرانه ماندن را در گرسنگی و درد تجربه می کند. اعظم مادر ۹ فرزند زندگی او از کودکی در پشت دار قالی گذشته در ۱۳ سالگی به عقد مردی ۴۸ ساله معلول ذهنی درآمده است. ۷ فرزند و دو نوه او دارای معلولیت های مختلف ذهنی، روانی، کم خونی، بینایی و کر و لال هستند. اداره بهزیستی می گوید اعتبار نرسیده اگر برسد شاید ۱۰۰ هزار تومان سهمیه ضامنجان باشد

مسئولی در استانداری می گوید: اگر بودجه ای از سال قبل مانده باشد، پرداخت می کنیم. مسئول صندوق مهر رضا می گوید "هر کجا مسئولان می مانند به صندوق پاس می دهند، ما هیچ اعتباری نداریم." جهاد وعده سر خرمن دادن زمین را می دهد. مسئول خانه بهداشت می گوید این معلولین فقط ۱۰ نفر تحت درمان قرار دارند و ماهانه بطور رایگان ویزیت می شوند اما هزینه دارو با خودشان است. سهمیه داروی رایگان از يك سال پیش قطع شده است. رئیس شورای روستا می گوید این معلولین فقط به کمک مردم روستا زنده اند. و روزنامه خراسان در انتهای گزارش می نویسد: "تلاش های مجری طرح CBR ضامنجان که پس از تماس تلفنی خبرنگار ما با مسئولان استانداری، جهاد و بهزیستی مجدد پیگیر موضوع شده بود با امروز و فردا کردن و پاس دادن او بدون نتیجه ماند. معلولان محروم ضامنجان زندگی توام با رنج و درد را با امید به فردا سپری می کنند." گزارش روزنامه خراسان تنها راهی را که برای زنده ماندن و زندگی کردن نشان میدهد خلاص شدن از شر چپاولگران حاکم است. اگر امیدی برای این بیماران و کل مردم محروم باقی باشد، امید به فردایی بدون نکبت جمهوری اسلامی است. فردایی که همه بیماران و همه معلولین حق برخورداری از حداکثر خدمات اجتماعی برای بهبود و امکان زندگی عادی داشته باشند. فردایی که درمان، مسکن، آموزش و تغذیه مناسب و رایگان حق طبیعی هر عضو جامعه باشد.\*

اساس سوسیالیسم انسان است!

## بازتاب هفته

### بازهم خبر تجاوز و دم خروس حکومت

یاشار سهندی

در هفته گذشته بار دیگر خبر هولناک تجاوز گروهی اینبار به یک زن، در یک روستای کاشمر منتشر شد. جمهوری اسلامی بازهم به تکاپو افتاد که به این بهانه مجدداً مانند همیشه زنان را محکوم کند. این خبر ظاهراً توسط امام جمعه کاشمر علنی شده است برای امام جمعه زن قربانی (کلا همه زنان) بعنوان یک شخصیت مستقل انسانی مطرح نیستند. ایشان نگران ناموس مردم (منظور همان مردان) است، تا بدینوسیله هم مردان را علیه زنان تحریک کرده باشند و هم زمینه تهاجم وسیعتر نیروی انتظامی علیه مردم بخصوص زنان را تشدید کرده باشند. اینکه این خبر در چه ابعادی در شهر کاشمر پیچیده که امام جمعه بعد از دو ماه مجبور به صحبت درباره آن شده است ساینتهای خبری حکومت در مورد آن چیزی درز نداده اند و همه را به حساب درایت امام جمعه ناموس پرست گذاشته اند. بهرحال این زن نگویند بخت با مردی راهی روستای خود بوده است در میان راه مورد هجوم مردان دیگر قرار میگیرد. مرد همراه او مصدوم میشود و زن را به مکان دیگر منتقل کردند و جنایت کامل شده. تا اینکه مردی از مردان متجاوز زن را شناخته و با التماسهای زن به داد او رسیده و او را فراری داده است. این روایت خود زن قربانی است. اما فرمانده نیروی انتظامی کاشمر برای اینکه خود زن را مقصر معرفی کرده باشد ماجرا را به شکل دیگری شرح میدهد. ایشان منکر هر گونه مصاحبه زن قربانی میشود تا ماجرا تا را ساخته و پرداخته رسانه ها قلمداد کرده باشد. روایت ایشان کاملاً "ناموسی" است: "ساعت ۸ شب سوم اردیبهشت زن جوانی به همراه مردی که از قبل با وی رابطه دوستی داشته برای تفریح به یکی از گندم زارهای اطراف روستای قورژ می روند... ایشان این عمل را مجرمانه میدانند: "در مرحله اول اقدام این دو نفر اشتباه و جرم بوده" بعد تاکید میکنند مرد همراه این زن فرار میکند و میگوید که هیچ چیز هم در زده نشده! ایشان تاکید دارد که

ننگین حکومت اسلامی افشا شد و به سطح رسانه ها رسید. دو بیمار که یکی مبتلا به شکستگی پا و عفونت شدید بوده و دیگری دچار سوختگی بوده در حالی نزار و بی حال از جانب بیمارستان امام خمینی درکنار بزرگراهی در تهران زیر آفتاب رها شدند و رهگذران که این صحنه را دیدند به کمک آنها شتافتند و موضوع را به رسانه ها و مقامات گزارش کردند. مدت کمی پس از این یک مورد دیگر هم شبیه این گزارش شد که بیمارستانی بیمار را در بیابان رها کرده است. دست اندرکاران بالای جمهوری اسلامی مانند همیشه خود را به نفهمی زدند تا شاید ماجرا تمام شود. اما خبر چنان تکان دهنده بود که نتوانستند مخفی اش کنند و مانند همیشه برای اینکه مسئولان این حکومت مبرا شوند رفتند دنبال ضعیفترین حلقه ماجرا و آن کسی نبود جز راننده آمبولانس! خانم وزیر بهداشت مرضیه وحید دستجردی که اول اصلاً منکر ماجرا بود و این را توطئه ای میدانست برای خراب کردن وزارت که ایشان رئیس آن هستند، کم مانده بود این را هم کار صهیونیستها کافر و فراماسونری بدانند، اما از این کار حذر کردند چرا که آنوقت وزارت اطلاعات محترم شان زیر سوال میرفت که صهیونیستها تا آنجا پیش رفتند که راننده آمبولانس را هم خریدند، آن هم وزارت خانه ای که به گفته وزیرش موساد اسرائیل را مبهوت جاسوسی و ضد جاسوسی خویش ساخته است و روی انگشت کوچک خود میچرخاند! پس از خیرش گذشتند. بهرحال، اکنون بعد از دو ماه خانم وزیر با خوشحالی گزارش دادند که "گرفتیم!" ۶ نفر را به گفته

ایشان بازداشت کردند که نگون بختان جز خدمه بیمارستان کسی نیستند. ایشان با ذوق وصف ناشدنی میگویند که دادستانی مدیریت بیمارستان را از جرم مبرا دانسته است و ایشان مدعی شدند: "این نشان دهنده این مهم است که هیچ برنامه ریزی مدیریتی و سیستماتیک در بیمارستان یاد شده (بیمارستان امام خمینی) برای رهاسازی این دو بیمار وجود نداشته است." ایشان که یک جنایت آشکار را ابتدا منکر بودند باید هم به یاد کسی نیاورند که دستور اکید داده اند که بیمارستانها خودشان باید خرج خود را تامین کنند. این یعنی اینکه اگر بیمار پول نداشته جایش کنار بزرگراه است البته خوش شانسانها! بد شانسانها

که اصلاً به بیمارستان راهی ندارند. این خانم محترم به روی خودش نمی آورد که بیمار اورژانسی را تا پول همراهش نباشد به داخل راه نمی دهند. ایشان میدانند همه این تصمیمات به صورت سیستماتیک و سازمان یافته است و کلی کارشناسان این حکومت عرق ریختند تا مبادا یک ریال هم بابت رفاه مردم خرج شود. این خانم وزیر در پایان ادعای جالبی کرده اند. ایشان در حاکی که گوشه چادر شان را محکم گرفته بودند که

باد نبرد فرمودند: "ما تعبیری که در خصوص خودمان در وزارت بهداشت داریم، این است که همچون درخت سیبی هستیم که هر قدر به ما سنگ و چوب بزنند، باز ما شمره خود را داریم." آری شمره این درخت سیبهای کرم زده است زیرا باغبان این درختها جمهوری اسلامی است. درختی که این حکومت بکار دهمه اش اگر میوه ای باشد میوه کرم زده است و مهمتر از آن این درخت، درختی است که سایه ندارد!\*

### اعتراضات مردم در اسپانیا ادامه دارد

شهلا دانشفر

در ادامه اعتراضات گسترده در اسپانیا روز یکشنبه ۱۹ ژوئن بار دیگر شهر مادرید و سایر شهرهای این کشور صحنه تظاهرات هزاران نفره مردم علیه بیکاری فزاینده و علیه سیاست های اقتصادی دولت و کاهش هزینه های تامین اجتماعی و فشار هر روزه به زندگی و معیشتشان بود. پلیس اسپانیا شمار تظاهر کنندگان را حدود ۴۵ هزار نفر اعلام کرد اما منابع دیگر این رقم را بسیار بیشتر ارزیابی کردند.

در این روز در مادرید مردم از ۶ نقطه مختلف به سوی میدان اصلی شهر حرکت کردند و با پلاکاردهایشان و با شعارهایشان خواستهای خود را فریاد میزدند. مبتکر این تظاهرات همان جوانانی بودند که با اکتفا به میدانی اجتماعی در اواسط ماه امسال با الگو قراردادن میدان التحریر مصر، میدان خورشید در مادرید را به تصرف خود در آوردند. در آنجا چادر زدند و شب را بسر کردند و با خواندن سرود "اسمش رو دموکراسی گذاشتند ولی نیست" دمکراسی حاکم بر جهان غرب را به تمسخر گرفتند. شعارهایی که فریاد زده میشد یا بر پلاکاردها نقش بسته بود از جمله اینها بود: "خیابان را تصرف کن"، "غنیمت تو بحران من است"، "ملت رام آماده ی برده داری"، "ناآگاهی تو زور آنهاست"، "ما کالای دست سیاستمدار و بانکدار نخواهیم بود"، "خشونت این است که حقوق ۶۰۰ یورو در ماه باشد" و "نه خانه داریم، نه کار، نه آینده، نه ترس". سه هفته پر شور تجمع و تظاهرات و اعتراض در این میدان برپا داشته شد و جهان را متوجه نسل جدیدی کرد که به "اراده بازار" تمکین نمیکند. جوانان تظاهر کننده دست آخر گفتند میدان

هم کافی نیست باید برویم و محلات را سازمان دهیم و دست بکار ایجاد مجامع عمومی محلات و کمونهایشان شدند. اکنون در ۱۹ ژوئن همان جوانان با تجربه ای بیشتر به میدان خورشید باز گشته بودند و اعلام کردند که در اعتراض خود جدی هستند و کوتاه نخواهند آمد. فضای مادرید و دیگر شهرهای اسپانیا همچنان ملتهب و شورانگیز و مملو از اعتراض و گفتمان تغییر است.

اقتصاد اسپانیا با کسری بودجه شدید و بدهکاری های هنگفتی مواجه است. و دولت اسپانیا با اعمال سیاست های ریاضتی تلاش کرده است که بار این بحران را بر گرده مردم تحمیل کرده و با زدن بخش عظیمی از تامین اجتماعی مردم، بدهی های خود را کاهش دهد. بدین ترتیب با تشدید فشار اقتصادی بر مردم جمعیت عظیمی به بیکاری کشیده شده و طبق آمار ۴۵ درصد جوانان این کشور بیکارند. بنا بر خبر ها میزان بیکاری در اسپانیا ۲۱،۳ درصد است که بالاترین نرخ بیکاری در اتحادیه اروپا است و بیش از ۴،۹ میلیون نفر در این کشور بیکارند. اعتراضات گسترده در اسپانیا، فضای رادیکال این مبارزات بیش از هر چیز بیانگر حال و هوای جدیدی در مبارزات کنونی در کشورهای اروپایی است. زیر بار فشار این بحران نمی رویم، این حرف کارگران و حرف مردم اسپانیا و در مبارزاتت است که امروز در کشورهای مختلف اروپایی شاهد هستیم.

### کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

محمد هوشمند ۱۴۰ دلار

## بازتاب هفته

### اعدام زن اندونزیایی ، نمایش توحش اسلامی در عربستان

بهر روز مهرآبادی

مردم خشمگین جاکارتا در اعتراض به اعدام يك زن اندونزیایی در عربستان در مقابل سفارت این کشور اجتماع کرده و انزجار خود را به این عمل وحشیانه و به قوانین قصاص اسلامی اعلام نمودند. "روایتی بنتی ساتویی" زن ۵۴ ساله از سه سال قبل در يك خانواده ثروتمند عربستان بعنوان خدمتکار مشغول به کار بود. بر اساس قوانین اسلامی عربستان او کنیز بشمار می رفت و خواست او برای بازگشت به اندونزی با مخالفت کارفرمایش روبرو شد. در يك درگیری که چگونگی و دلایل آن نیز روشن نیست همسر کارفرمایش به قتل رسید و این زن متهم به قتل گردید. يك دادگاه اسلامی حکم قصاص برای او صادر کرد. او روز ۲۸ خرداد در ملاء عام اعدام شد. مقامات عربستان در يك عمل شنیع و برای تکمیل نمایش وحشیانه اعدام سر بریده "روایتی" را با هلیکوپتر در آسمان گرداندند. خانواده "روایتی" روز بعد از اعدام او از این جنایت با خیر شدند. بیش از ۸۰۰

هزار زن اندونزیایی در منازل ثروتمندان عربستان به خدمتکاری مشغولند. آنها از هیچگونه حقوق و امنیتی برخوردار نیستند و بطور دائمی مورد تحقیر، توهین و آزار جنسی قرار می گیرند. در موارد مختلف اخبار شکنجه آنها توسط اربابانشان انتشار یافته است. مقامات دولتی اندونزی اعلام کرده اند که "روایتی" مورد آزار کارفرمای خود قرار داشته است. در ۲۰ سال گذشته ۳۰۳ نفر از کارگران اندونزیایی در عربستان محکوم به اعدام شده اند و در حال حاضر حکومت اندونزی فقط توانسته به ۱۲ نفر از آنها کمک کند تا از مرگ نجات پیدا کنند. بنا به گزارش های رسمی از ابتدای سال جاری تاکنون ۲۷ نفر در عربستان اعدام شده اند و صدها نفر دیگر در زندانهای این کشور در خطر اعدام قرار دارند. جنایت وحشیانه حکومت عربستان و قتل "روایتی" باید محکوم شود و با اعتراض مردم سراسر جهان پاسخ بگیرد. دنیا را باید از این توحش قرون وسطایی و حکومتهای درنده خو و عهد حجری هرچه زودتر نجات داد.\*

### پادشاه مراکش نیز پیام انقلاب را شنیده است

محمد شکوهی

بیش از سه ماه از آغاز اعتراضات



### بازی گتیف... از صفحه ۱

محمد شکوهی

اقتصادی جمهوری اسلامی منتشر نموده است، که سیاست این نهاد را نشان می دهد. در این گزارش ادعا شده طرح هدفمند کردن یارانه ها يك موفقیت رژیم بوده، تورم کاهش یافته، شکاف طبقاتی کم شده، و ایران در انتظار رشد اقتصادی بالای ۳ درصد می باشد! غیر واقعی بودن و بی اعتباری این ادعا ها را نه فقط هرکس که ذره ای از اقتصاد ایران خبر دارد میدانند، بلکه هر روزه مردم ایران با گوشت و پوست خود لمس می کنند. سران رژیم و دولت اعتراف می کنند که طرح هدفمندی یارانه ها با مشکلات جدی روبرو شده است. قیمت ها بطور نجومی بالا رفته، هزینه های آب و برق و گاز چندین برابر شده است، تورم بالای ۳۵ درصد است! و شورش گرسنگان در راه است و خبر از آمادگی نیروهای مسلح رژیم برای

مردم برعلیه رژیم پادشاهی مراکش می گذرد. در طول این مدت مردم مراکش به دنبال انقلابات مردم مصر و تونس و ادامه انقلابهای مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا، با برپایی تظاهراتی چند صد هزار نفری، خواستها و مطالباتشان را اعلام کرده اند. برقراری آزادی های سیاسی، الغای رژیم سلطنتی، آزادی زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات ماه فوریه، محورهای اصلی خواستهای مردم است. با برپایی تظاهراتهای مردمی، ترس و وحشت حکومت از گسترش انقلاب بالاگرفت و حکومت رسماً سیاست سرکوب وحشیانه، دستگیری وزندان و در مواردی اعلام ممنوعیت برپایی هر نوع تظاهرات را، در پیش گرفت. اما مردم و بویژه جوانان ساکت ننشسته و يك جنبش انقلابی گسترده، بر علیه حکومت را قبل از ماه مارس آغاز کردند. دور اول اعتراضات از ۲۰ فوریه امسال شروع شد، اما حکومت با سرکوب های وحشیانه همراه با وعده اصلاحات، موفق شده جنبش اعتراضی را بطور موقت ساکت کند. در این میان مخالفان حکومت و مردم در ماه مارس به محمد شاه مراکش فرصت دادند به وعده هایش پیرامون اصلاحات در ساختار سیاسی عمل نماید. با آغاز ماه مه که تاریخ پایان فرصت مردم به حکومت بود؛ باردیگر فراخوانهای سراسری معترضان برای برپایی راهپیمایی از طریق

اساس آمار و ارقام و داده های جعلی و دروغین رژیم تنظیم شده که حتی ارگانهای رسمی جمهوری اسلامی نظیر سازمان حسابرسی، صحت آنها را زیر سوال برده اند. بدون تردید می توان اهداف سیاسی این صندوق را دلیل اصلی تهیه این گزارش دانست. حقیقت اینست که گردانندگان صندوق بین المللی پول بی افق و بدون آینده بودن جمهوری اسلامی را متوجه شده اند. می دانند که رژیم بشدت منزوی، مورد تنفر مردم و از نظر سیاسی ساهاست که مشروعیتش را از دست داده است! می دانند که جنگ و دعواهای باندهای حکومتی در یکی دو سال گذشته و با برآمد انقلاب مردم، بویژه در سال ۸۸ تشدید گشته و شیخ انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور روز انقلاب ناتمام مردم و جامعه قرار دارد. در چنین وضعیتی که رژیم دارد، صندوق بین المللی پول در هراس از انقلاب مردم و نگران وضعیت رژیم، دست به يك چرخش سیاسی زده و با ارائه این گزارش بی

اینترنت و رسانه های اجتماعی پخش گردید. در پاسخ به این فراخوان صدها هزار نفر از مردم در شهرهای رباط پایتخت این کشور، کازابلانکا، تنجر و صافی، با برپایی تظاهرات اعلام کردند که تا رسیدن به خواسته هایشان در خیابانها خواهند ماند. موج برگشت اعتراضات مردمی آنقدر قدرتمند بود که حکومت را وادار به عقب نشینی دادند و وعده "اصلاحات سیاسی" کرد. مردم انقلابی فریب وعده های ماه مارس را نخورده و به اعتراضات گسترده شان بر علیه حکومت ادامه دادند. فقر، بیکاری، سانسور و اختناق، بی حقوقی زنان و شکنجه زندانیان در مراکش و فساد گسترده مالی و اداری، سرنگونی رژیم سلطنتی و ایجاد تغییرات بنیادین اجتماعی را به صورت يك خواست همگانی در آورده است. حکومت در واکنش به موج گسترش انقلاب و خطر سرنگونی، دوباره وعده اصلاحات را تکرار کرد. اعتراضات مردم سرانجام حکومت را وادار به عقب نشینی کرد به این امید که اوضاع را آرام کرده تا زمینه های بعدی سرکوب انقلاب مردم را فراهم نماید. روز ۱۸ ژوئن محمد ششم شاه مراکش در تلویزیون دولتی ظاهر شده و "طرح اصلاحات" مورد نظرش را اعلام کرد. وی مدعی شد که "این طرح ایجاد نهادهای دموکراتیک، حفظ حقوق اساسی و تضمین آزادی بیان شهروندان را در پی خواهد داشت".

پایه و تعریف و تمجید از سیاستهای اقتصادی رژیم، عملاً و رسماً در کنار دولت احمدی نژاد و خامنه ای ایستاده است. واقعیت این است که رژیم از يك نظر در پیشبرد سیاست صندوق جهانی پول موفق بوده است. سخت تر کردن شرایط زندگی کارگران، کاهش سطح معیشت آنان و حذف هر گونه خدمات اجتماعی و رفاهی در جامعه و ممانعت از نفوذ تشکل ها و نهاد های کارگری، از سیاست های صندوق جهانی پول و بانک جهانی است. مبنای این سیاست باز گذاشتن دست سرمایه و برداشتن هر گونه محدودیت در چپاول و غارت سرمایه داران است. جمهوری اسلامی خواسته های این نهاد بین المللی سرمایه داری را با توحش قرون اسلامی عصر حجری درآمیخته و رضایت آن را فراهم کرده است. در واقع باید گفت که جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدنش همین سیاست را دنبال کرده است. در این گزارش می توان وحشت از جنبش سرنگونی مردم ایران و رادیکال بودن

از قدرت شاه "در صورت امکان" کاسته خواهد شد، اصلاحات بنیادی در ساختار کشور ایجاد خواهد کرد، ولی خودش پادشاه و فرمانده کل قوا باقی خواهند ماند. وی اعلام کرد که "طرح اصلاحات" را در اوایل ماه آینده به رفتارندوم عمومی خواهد گذاشت! با اعلام این عقب نشینی مردم درعین ابراز خوشحالی با برپایی تظاهراتی گسترده تاکید کردند که فریب اصلاحات حکومتی را نخورده و به مبارزه خود تا رسیدن به خواسته هایشان، آزادی های سیاسی، الغای رژیم سلطنتی، آزادی زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات ماه فوریه ادامه خواهند داد. روی رویی انقلاب مردم با رژیم مراکش وارد لحظات حساسی شده است. مردم مصمم به ادامه انقلاب و به زیر کشیدن کل نظام هستند. حکومت در صدد خریدن فرصت و همزمان گسترش سرکوب مردم می باشد. انقلاب و ضد انقلاب در مراکش در برابر هم صف کشیده اند. انقلاب مردم مراکش چاره ای جز این ندارد که يك بار دیگر و این بار قدرتمند تر از قبل برای تعیین تکلیف نهایی با حکومت به میدان بیاید. حضور مردم و ادامه اعتراضات تنها تضمین به ثمر رسیدن انقلاب مراکش و رسیدن مردم به رهایی و آزادی واقعی است.\*

این جنبش را دید که در صورت پیروزی قطعاً به سرمایه داری مهار خواهد زد و زمینه برچیدن سباط آن را فراهم خواهد نمود. آمار واقعی رشد اقتصادی را باید از کارگران و زحمتکشان ایران پرسید که با فقر و فلاکت روز افزون دست و پنجه نرم می کنند. صد ها گزارش جانبدار نظیر گزارش صندوق بین المللی پول نیز نخواهد توانست چشم مردم را بر واقعیت بحران اقتصادی عمیق جمهوری اسلامی ببندد. در انتظار مردم جهان نیز اخبار دزدی ها، غارتگری ها و سرکوب های وحشیانه رژیم بیش از هر زمان دیگر منتشر شده و ماهیت کثیف جمهوری اسلامی برای همه روشن شده و اثر بیش از هر زمان دیگری منزوی ساخته است. گزارش و حمایت صندوق بین المللی و زد و بندهای رژیم برای خریدن ذره ای اعتبار دیگر کسی را گول نمی زند و به حکومتی که زیر ضربات انقلاب مردم است، کمکی نمی کند.\*

## کلاهبرداری سیاسی، در حاشیه جلسه‌ای در هامبورگ حول بحثی بین طیف سبز



نازنین برومند

روز ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱ جلسه‌ای تاریخی! در هامبورگ برگزار شد که سخنرانان در بیماگی و حقارت سنگ تمام گذاشتند و با وقاحت و با مقداری شرمندگی از خمینی و حتی خامنه‌ای و سپاه پاسداران و حفظ بنیادهای جمهوری اسلامی دفاع کردند. سخنرانان این جلسه تاریخی حسن شریعتمداری، فریبا داودی مهاجر و رضا پیرزاده اعضای شورای مرکزی کنگره دموکراتهای سبز ایران، محمد مصطفایی به عنوان حقوقدان مدافع حقوق بشر و مجتبی واحدی مشاور ارشد مهدی کروبی بودند که به نظر می‌آمد برای نزدیکتر شدن نظرانشان برای برون رفت از بن بست جمهوری اسلامی حول طرح "انتخابات آزاد" گرد

هم آماده بودند.

شریعتمداری اولین سخنران بود. ایشان در بحثی که ارائه داد علنا خواستار برقرار بودن جمهوری اسلامی تمام و کمال بود. راه حل ایشان برگزاری يك انتخابات "آزاد" با تاکید فراوان بر استانداردهای بین المللی بود که اما هم آقای خامنه‌ای سر کار بماند (حالا شاید با محدود کردن مسئولیتهای ولایت فقیه) و هم سپاه پاسداران و غیره. به گفته ایشان باید همه را به بازی گرفت تا مبادا به کسی بر خورد و علیه انتخابات ایشان شورش کند. سپاه پاسداران قدرتی هست در ایران و نمی‌شود به راحتی آن را کنار زد. اما برای رسیدن به این انتخابات آزاد باید اختلافات را کنار زد و متحد شد. مشخص است که هر جا در آن سخنرانی صحبت از اتحاد بود به معنی اتحاد طیف سبز و مشروطه خواه و سلطنت طلب سبز شده تا هواداران موسوی و کروبی و سبزهایی که حاضرند با ولایت فقیه یعنی شخص خامنه‌ای "آشتی ملی" کنند بود.

سخنرانان بعدی نیز هر کدام سر انتخابات آزاد بحث خود را ارائه دادند که تفاوت چندانی در محتوا با یکدیگر

نداشتند. تنها تفاوتی که بحث دیگران با بحث شریعتمداری داشت این بود که بقیه لاف‌ها به این واقعیت پی برده بودند که با سر کار بودن این دولت نمی‌شود جان سالم به در برد. در نتیجه باید از این دولت عبور کرد تا بتوان "انتخابات آزاد" برگزار کرد. اما چگونگی گذر از این دولت در همه بحثها ناگفته ماند. نه راه حلی برای آن مطرح شد نه حتی تاکیدی بر ضرورت آن شد، نه اعتقادی به سرنگونی حکومت بود، نه چنین جریزه‌ای در هیچکدام از آنها دیده میشد. در واقع اینکار نبودند. اینها برای خالی نبودن عریضه میگفتند. هرچند از گذار از جمهوری اسلامی صحبت میشد البته گذار مسالمت آمیز ولی همگی بر سر ماندن خود جمهوری اسلامی و بنیادهای آن توافق داشتند تفاوت آنها بر سر ولایت فقیه "آری" یا "نه" بود و شاید هم کمی تغییر این بند یا آن بند اساس نامه جمهوری اسلامی.

در واقع اینها گرد هم جمع شده بودند تا یک شارلاتانیسم بی مایه و حقیر را به نمایش بگذارند و به اسم انتخابات آزاد از بقای جمهوری اسلامی دفاع کنند. واقعا چه چیز بجز

کلاهبرداری سیاسی میتوان به این افراد حقیر گفت! اینها در دو سه دقیقه وقتی که دادند به آنها گفتیم. من در قسمت سخنرانی‌های اصلی حضور داشتم اما آنطور که شنیدم جلسه آتش به درازا کشیده بود چرا که سوالهای زیادی از جانب حاضرین در این جلسه مطرح شده بود. تفاوتها بسیار کم رنگ بود. به عنوان مثال آقای پیرزاده در ابتدای صحبت‌هایش از برابری جنسی، لغو مجازات اعدام و سنگسار و نهایتا صحبت از دموکراسی سکولار می‌کرد اما آنجا که دهان باز کرد تا به چگونگی برقراری برابری جنسی و لغو اعدام صحبت کند، مدافع آشتی ملی (بخوان آشتی خامنه‌ای، کروبی، موسوی، احمدی نژاد) شد و لب کلامش هم در واقع همین بود. يك دل نگرانی ایشان هم این بود که در فردای انتخابات بعنوان يك اصل حقوق بشری! مبادا مدیران امروزی ادارات و ارگانها برکنار شوند و حقوقشان پایمال شود باید به همه مسئولین "آجرائی" عفو داد و سر کار نگهشان داشت. خانم داودی هم به فکر "کمپین" انتخابات آزاد است که همه را با هم

این استیصال حکومت را همچنین به مسخره ترین شکلش در دستورالعمل‌های پی در پی این جانیان در مصادیق بدحجابی و بیحجابی و غیره میتوان به روشنی دید. از جمله نگاهی به ارقام جرمه‌هایی که بر جرایم "بدحجابی" تعیین کرده اند، تصویر گویایی از فضای اعتراضی این جامعه و به چالش کشیدن قوانین ارتجاعی اسلامی و کلیت این رژیم بدست میدهد. اقالم جرایم از این قرار است: "عینک بالای سر ۱۸۰۰۰ تومان، مانتوی کوتاه ۳۵۰۰۰ تومان، لاک هر ناخن ۵۰۰۰ تومان، سولاریوم پوست ۲۵۰۰۰ تومان و موی روشن از ۵۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ تومان". این ارقام را جناب سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در همین هفته اعلام کرد. همچنین اعلام کردند، که "بدحجابی از ده روز تا دو ماه زندان دارد و یا ۵۰ هزار تومان تا پانصد هزار تومان جریمه، و خلاصه همه این تهدیدات را کرده اند و امروز جامعه در چنین مکانی ایستاده است. خیابان‌ها را به قرق درآورده اند و شما دختران جوانانی را می بینید که موتور سوار در حالیکه حجاب خود را کنار زده اند، از مقابل چشم این جانوران ویراژ میروند و کل قوانین این حکومت را

همین اخیرا عکس‌های از زنانی که حجاب برگرفته اند در رسانه‌های خود رژیم منتشر شد و در انعکاس اخبارش فریاد این حضرات از "بدحجابی" زنان بلند شده بود. اکنون جمهوری اسلامی در مقابل این موج اعتراض جامعه و به زیر کشیدن پرچم اسلامش، دست به چنین توطئه‌ای زده و فکر می‌کند بلکه از طریق سازمان دادن تجاوزهای گروهی بتواند این اعتراضات را عقب بزند. بتواند پرچم در حال اهتزازش را از زمین بلند کند. اما باز مبینیم که در برابر اعتراضات مردم چگونه به تکاپو افتاده اند. دیدیم که وقتی تجمعات مردم خمینی شهر بالا گرفت، فوراً زبانشان بسته شد و گفتند اصلا کار دشمنان بوده است. و دست آخر هم ناگزیر بحث را به مجلس برده اند تا يك شکلی آنرا راست و ریس کنند. اینها همه استیصال این حکومت را به نمایش می‌گذارد. جمهوری اسلامی به هر دری میزند تا پرچم اسلام و حجاب این سمبل حاکمیتش را برافراشته نگاه دارد. میداند که حجاب برگیران یعنی به چالش کشیدن جمهوری اسلامی و همین اخیرا عضو مجلس خبرگان از تهران گفت که برخی افراد اغراض سیاسی داشته و از طریق بدحجابی می‌خواهند با حاکمیت مقابله کنند و نیروی انتظامی را به مدد طلبید.

## جمهوری اسلامی آمر اصلی ...

از صفحه ۱

می‌خواهند رعب ایجاد کنند تا پرچم اسلام و حجاب اسلامی را برافراشته نگاه دارند. جمهوری اسلامی همچون جنایتکاران جنگی میکوشد تا از حربه تجاوز استفاده کند، برای اینکه دشمن خود، مردم را بترساند، تحقیر کند و به تمکین بکشانند. بخاطر اینکه جمهوری اسلامی در مقابل مردم و در صف جلوی آن جوانان و زنان معترض، به استیصال رسیده است. بخاطر اینکه به چشم خود هر روزه در کوچه و خیابان شاهد این حقیقت است که قوانین ارتجاعی اسلامی شان زیر پا گذاشته شده و دارد کل نظامشان نشانه می‌رود. می بیند که حجاب‌ها هر روز عقب تر رفته و به کناری انداخته شده و زنان معترض عملا این پرچم رژیم را دارند به پایین میکشند. می بیند که چگونه جوانان دیوارهای آپارتاید جنسی را می شکنند و در مناسبت‌های مختلف با رقص و شادی کل این حکومت را به چالش میکشند. يك نمونه اخیر آن جوانان یزد بودند که با بستن جاده اتوبان به روی اوياش حزب الله، در وسط جاده بساط رقص و شادی بر پا کردند و کل قوانین این رژیم را به تمسخر کشیدند. همچنین در قم در پایتخت آیات عظام جمهوری اسلامی،

شهر مردم جمع شدند و خواهان دستگیری و محاکمه مسببین این عمل جنایتکارانه شدند. اما عکس العمل‌های حکومتی به روشنی نشانگر این بود که این اتفاقات چیزی جز تجاوزهای سازمان یافته از سوی خود رژیم و یا اوياش جمهوری اسلامی نبوده است. از جمله رئیس پلیس آگاهی اصفهان با بیشرمی تمام اظهار داشت که "اگر مهمانان لباس مناسب داشتند، شاید اینطور نمی‌شد". بعد از آنهم لباس نامناسب زنان به عنوان زمینه‌های رشد ناهنجاری و تجاوز به زنان و غیره به گفتمان دیگر سران این حکومت و مقامات کشوری، لشکر و آیت الله‌هایشان تبدیل شد. این اظهارات همگی به معنی فتوای تجاوز به زنان "بدحجاب" است. این اظهارات به معنی تایید گذاشتن بر این جنایت و اجرای قوانین الهی اسلامی است. اما موضوع بطور واقعی چیست. موضوع از این قرار است که جمهوری اسلامی به بن بست رسیده است. طرح‌های عفاف و حجاب و نهی المنکر و امنیت اجتماعی و طرح اخلاق و غیره و غیره شان یکی پس از دیگری به شکست رسیده است و حالا این جنایتکاران با متوسل شدن به تجاوز،

متحد کند. این اتحاد به همان معنی است که در بالا ذکر کردم. از صحبت‌های مجتبی واحدی چیز زیادی دستگیرم نشد چون ایشان از طریق اینترنت وصل بودند و صدا چندان واضح نبود اما ولی اگر درست متوجه شده باشم ایشان برخلاف برخی سخنرانان موافق بودند که ولایت فقیه برود اما کل رژیم حفظ شود.

و در آخر مواضع آقای مصطفایی نیز که خود را مدافع "حقوق بشر" و خمینی میدانند و نگران آقای موسوی و کروبی است که چرا هیچکس به فکر آنها نیست، دیگر لزومی به توضیح بیشتر ندارد. اینها رانندگان از درگاه جمهوری اسلامی هستند. اگر جمهوری اسلامی کاری به آنها نداشت و به آنها اجازه میداد که حجره خود را باز بگذارند، یا کارمند وزارتخانه‌ای میشدند و یا نشریه‌ای یا تیراژ دوپست سیصد نسخه در می‌آوردند و لزومی به همین بحث‌ها هم نمی‌دیدند. اما یک حقیقت اساس نگرانی آنها را تشکیل میدهد. بحران جمهوری اسلامی و انقلابی که در سال ۸۸ زبانه کشید و سپس انقلابات در

صفحه ۹  
زیر پا له میکنند. این همه زور و توان رادان‌ها و احمدی مقدم‌ها و کل این رژیم است.

در مقابل همه اینها قدرت عظیم و عزم دختران و پسران و همه مردم برای خلاص شدن از شر این حکومت منحوس را میتوان در خیابانها هرروزه دید. با اتکا به این قدرتمان جلوی تهاجمات جانیان اسلامی باستیم. با ابتکارات مختلف دختر و پسر، با جشن و شادی دیوارهای آپارتاید جنسی را در هم بشکنیم و حجاب برگیران سازمان دهیم. با اعتراضی گسترده پاسخ گستاخی‌ها و جنایت‌هایشان در خمینی شهر و در قبال زنان معترض را بدهیم. صدای این اعتراض را جهانی کنیم. در همه محلات گروه‌های اعتراضی خود را سازمان دهیم و همچون جوانان یزد راه را بر اوياش حزب الله ببندیم و اجازه ندهیم که به محلات و اماکن زندگی ما راه یابند و همه جا را برایشان نا امن کنیم. از اعتراضات مردم خمینی شهر وسیعا پشتیبانی کنیم و همراه با قربانیان این اتفاقات ناگوار به استقبال اعتراضاتی گسترده علیه جانیان جمهوری اسلامی برویم. و جمهوری اسلامی را به محاصره اعتراضات خود درآوریم.\*





shahla\_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر  
00447779898968 بهرام سروش  
bahram.soroush@gmail.com

### زندان و دادگاه علیه فعالین کارگری

حکم دادگاه جمهوری اسلامی برای ۱۲ فعال کارگری سنندج به جرم شرکت در گلگشت حمایت از فعالین کارگری زندانی

شد و زیر فشار اعتراضات کارگران، ۱۰ نفر از دستگیر شدگان تبرئه شدند. جانین جمهوری اسلامی دو نفر دیگر از این کارگران به اسامی صدیق سبحانی و وفا قادری را به یک سال زندان محکوم کردند که حکم صادره برای آنها به جزای نقدی یک میلیون تومانی تبدیل شد. بنا بر این خبر این حکم در تاریخ ۲۹ خرداد به وکیل مدافع نامسیردگان ابلاغ و به آنان ۲۰ روز فرصت داده شده است که اعتراض خود را به دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی اعلام کنند. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲ تیر ۱۳۹۰، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۱

### کارگر کشت و صنعت کارون شوشر دست به اعتصاب زدند

الحساب به کارگران و سایر کارکنان رسمی شرکت پرداخت شده است. کارگران مجدداً دست به اعتصاب زدند چون معتقدند مدام که این مبلغ در قالب طرح طبقه بندی مشاغل و در احکام کار آنها رسماً و بطور قطعی ثبت و اضافه نشود، کارفرما میتواند این یکصد هزار تومان را پاداش تولید در نظر بگیرد، آنرا موقتی به حساب آورد و با کاهش مبارزه کارگران آنرا قطع کند. حزب کمونیست کارگری از خواست کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون شوشر قاطعانه حمایت میکند و کارگران را به برگزاری مجمع عمومی، اتحاد و یکپارچگی و پیگیری خواست خود تا تحقق کامل آن فرامیخواند. حزب کمونیست کارگری ایران ۲۸ خرداد ۱۳۹۰، ۱۸ جون ۲۰۱۱

### از فراخوان خانواده بهنام ابراهیم زاده حمایت کنیم

سال گذشته در حال مسافرت درون شهری در اتوبوس شرکت واحد که در حال عبور از مسیر میدان انقلاب بود، دستگیر گردید و هنوز با گذشت یکسال از بازداشتش وضعیت وی ناروشن و او همچنان در زندان است. در این رابطه خانواده بهنام طی نامه ای از همه نهادهایی بین المللی و انستای آزادیخواه خواهان حمایت و پشتیبانی و مبارزه برای آزادی وی از زندان شده اند. باید از این فراخوان وسیعاً حمایت کرد. بهنام ابراهیم زاده باید فوراً از زندان آزاد شود. متن فراخوان خانواده بهنام ابراهیم زاده ضمیمه است. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱ تیر

سیاسی اتهام شمرده میشود، مانند تشویش اذهان عمومی، اقدام علیه امنیت ملی، شرکت در تجمعات غیر قانونی و غیره اطلاق میشود. برای بهنام اتهامات واهی دیگری نظیر ارتباط با یک خبرگزاری خارجی در ازای دریافت مبالغ هنگفت! و ارتباط با یک سازمان سیاسی اپوزیسیون! صادر شده است. در بخش پایانی این اطلاعیه آمده است: "ما اعضای کمیته پیگیری از تمامی سازمانهای کارگری و از جمله اتحادیه های کارگری جهان و سازمانهای مدافع بشر میخواهیم که برای آزادی بی قید و شرط بهنام ابراهیم زاده از هیچ تلاشی فروگذار نکنند". بهنام ابراهیم زاده در ۲۲ خرداد

قبلاً گزارش کردیم که روز ۲۲ خرداد بهنام ابراهیم زاده کارگر کارخانه پلی اتیلن واقع در شهرک صنعتی شورآباد شهری عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک توسط جانین جمهوری اسلامی دادگاهی شد. قبلاً برای بهنام ۲۰ سال حکم زندان و ده سال محرومیت از فعالیت اجتماعی صادر شده بود. اما با اعتراض به این حکم، به خانواده وی گفته شد که این حکم لغو خواهد شد و سپس بهنام در ۲۲ خرداد دوباره دادگاهی شد. در رابطه با اتهامات وارده به او کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری طی اطلاعیه ای در ۲۴ خرداد مینویسد: "در این دادگاه علاوه بر آنچه برای کلیه محکومین

### نامه سرگشاده خانواده بهنام ابراهیم زاده کارگر زندانی: فرزندانمان به چه جرمی محکوم به ۲۰ سال زندان است؟



تتشویش اذهان عمومی، اقدام علیه امنیت ملی، شرکت در تجمعات غیر قانونی و غیره اطلاق میشود. برای بهنام اتهامات واهی دیگری نظیر ارتباط با یک خبرگزاری خارجی در ازای دریافت مبالغ هنگفت! و ارتباط با یک سازمان سیاسی اپوزیسیون! صادر شده است. در بخش پایانی این اطلاعیه آمده است: "ما اعضای کمیته پیگیری از تمامی سازمانهای کارگری و از جمله اتحادیه های کارگری جهان و سازمانهای مدافع بشر میخواهیم که برای آزادی بی قید و شرط بهنام ابراهیم زاده از هیچ تلاشی فروگذار نکنند". بهنام ابراهیم زاده در ۲۲ خرداد

مردم ایران و جهان، کارگران و زحمتکشان! تمام کسانی که بهنام نیز مانند شما یک زحمت کش بود! اتحادیه های کارگری که بهنام نیز مانند یکی از اعضای شما یک کارگر بود! بهنام ابراهیم زاده، فرزندمان در ۲۲ خرداد سال ۸۹ سوار اتوبوس شرکت واحد در مسیر میدان انقلاب و آزادی دستگیر می شود. او برای اعتراض به دستگیری بی دلیل اش و حبس در سلول انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد؛ در نتیجه این اعتصاب او دچار بیماری شدید گردید و عاقبت او را به بند ۲۵۰

اوین منتقل کردند. زمان اعتصاب گذاش به ۳ هفته متمادی کشید. در دادگاهی که هیچ شباهتی به دادگاه و عدالت ندارد او به بیست سال زندان محکوم گردید که این حکم از بیسابقه ترین حکم های جمهوری اسلامی ایران است. طی این یک سال تمام تلاشمان بی حاصل ماند و فقط همان محکومیت بیست سال را از سازمان ها و نهادها شنیدیم. ما شاهد سیری شدن عمر عزیزمان در پشت در های زندان منحوس اوین هستیم. ما اکنون رو به تمامی انسانهای شریف و آزادی خواه ایران و جهان و

### کلاهبرداری سیاسی، در حاشیه ...

از صفحه ۸

ندارند. اینها تغییر را فقط و فقط در خود رژیم میخواهند و تمام تلاششان را میکنند که با رنگ انتخابات "آزاد و دموکراتیک" زندان ما را به خورد مردم بدهند و از بالای سر مردم راه حلی ارائه بدهند که فقط سر خودشان در امان بماند. باید به امثال این آقایان و خانمها گفت که اکثریت مردم در ایران و در خارج از ایران نه تنها برای این حرفها پیشیزی قائل نیستند بلکه از شما ولایت فقیه و کل رژیم گذشته اند و این

کشورهای عربی کلک به تمبانی اینها انداخته است. ترس از انقلاب و زیر و رو کردن کل بساط رژیم و بیکاره شدن این جماعت منشاء اصلی جست و خیزهای سیاسی اینها است. پس از ۳۲ سال جنایت و کثافتی که از سر تا پای این رژیم مبارد و پس از حضور میلیونی مردم در خیابانها، بحث آشتی ملی و نافرمانی مدنی و انتخابات آزاد فقط نشانه بیچاره گیت است. اینها نمایندگان تغییر در جامعه نیستند و خودشان هم چنین ادعائی

### زنده باد سوسیالیسم!



از صفحه ۱

## مصطفی صابر

تاریخ به سبک بی بی سی قبل از همه در این بود که اینبار بی بی سی بدرجه ای از سنت مرسوم اش که تاریخ جمهوری اسلامی را اساسا به روایت رسمی خود رژیم و حداکثر به روایت جناح اصلاح طلب آن (از جمله و بویژه به روایت توده ای - اکثریتی) بازگو میکرد، قدری فاصله گرفته بود. در تعریف سی خرداد اینبار میکرفن را فقط جلوی امثال مسعود بهنود نگرفته بود، بلکه کسان دیگری نظیر بنی صدر یا مجاهدین سابق هم فرصت یافته بودند تا تصویر خود از سی خرداد را ارائه دهند. این درجه "تصحیح" در کار بی بی سی را قبل از هرچیز باید نتیجه عصر ارتباطات و بویژه انقلاب عظیم مردم ایران در سال ۸۸ و روی آوری وسیع نسل جوان به سیاست و رادیکال شدن فضای سیاسی ایران دانست که دیگر به بی بی سی هم اجازه نمی دهد تفاسیر پوسیده حجابیانی - توده ایستی از تاریخ معاصر ایران را به خورد مخاطب خود دهد. حتی مسعود بهنود در مطلب خود سی خرداد ۶۰ را با کودتای ۲۸ مرداد شاه مقایسه کرده و طوری از جنایات جمهوری اسلامی در این روز حرف زده است که گویی ایشان بارها مجیز همان سردمداران و سازماندهندگان ۳۰ خرداد ۶۰ را نگفته و همپالکی شان نبوده است. یعنی همان جریانیه که در ده سال اول جمهوری اسلامی حزب الله چرخانی میکرد، به زنان بی حجاب حمله میبرد، دانشگاه را با "انقلاب فرهنگی" پاکسازی میکرد، کتابفروشی ها و دفاتر روزنامه ها را به آتش میکشید، سنج را با ناپالم به خاک و خون میکشید، زندانها را میچرخاند و چوبه های دار برپا میکرد، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران را سازمان میداد و غیره. یعنی همان کسانی که بعد از خمینی مغضوب شدند تا بعدها دوباره با ۲ خرداد به حرکت درآیند و "اصلاح طلب" شوند. از خاتمی و کروبی و موسوی گرفته تا حجاریان و گنجی و سازگارا و مخملباف و سروش و خلخالی و هادی غفاری و امثال اینها. آری بی بی سی هم از تاریخ درس میگیرد و متوجه شده است که دیگر دوره جمهوری اسلامی چه جناح رسمی و حاکم آن و چه جناح

توسط دانشجویان چپ و چه در تظاهرات پر شور زنان علیه حجاب و چه در جنبش انقلابی مردم کردستان و غیره چنان قدرتمند بود که خمینی و جریان اسلامی ناگزیر شد با یک قتل عام و نسل کشی تمام این انقلاب را در خون خفه کند. سی خرداد خمینی نقطه عطف در سرکوب انقلاب ۵۷ و به سرانجام رساندن کار نیمه تمام ۱۷ شهریور شاه بود. (۱) اگر خوب بنگرید در تفسیر و تعبیر بی بی سی از تاریخ معاصر ایران و بویژه ۳۰ سال اخیر، یک جنبش عظیم اجتماعی فعال در ایران کاملا غائب است. جنبش عظیم اجتماعی که انقلاب ۵۷ اولین بروز حضور جدی و موثر آن در صحنه سیاست ایران است. جنبشی که اساس آن در تحریک طبقه کارگر و جنبش شورایی اش در جریان انقلاب ۵۷ است ولی ابدا به آن محدود نیست بلکه جنبش عظیم رهایی زن و همینطور جنبش خلاصی فرهنگی جوانان از سنن پوسیده اسلامی و شرقی و "فرهنگ خودمان" را نیز در کنار خود دارد. جنبش اجتماعی که بر بهترین دستاوردهای جنبش کارگران صنعتی غرب اتکا دارد و متفکران و پرچمداران آن در سیاست ایران کسانی نظیر منصور حکمت بوده اند. (۲) در تعبیر "تصحیح شده" بی بی سی از سی خرداد ۶۰ گویی صحنه سیاست ایران عرصه جدال خمینی و بنی صدر و مجاهد و جبهه ملی و امثالهم است. مخاطبان و قربانیان واقعی کودتای سی خرداد ۶۰ خمینی یعنی کارگران و جوانان و زنان کاملا غائب اند و نماینده ای ندارند. بی جهت نیست که مسعود بهنود در این تفسیر "تصحیح شده" بی بی سی از سی خرداد ۶۰ زحمت کشده و آنرا با کودتای ۲۸ خرداد شاه مقایسه میکند. در این مقایسه این نکته پنهان میشود که جدال سالهای ۲۰ - ۳۲ و از جمله کودتای ۲۸ مرداد اساسا صحنه نبرد بین جنبش ملی اسلامی (یک سر آن جبهه ملی و مصدق و سر دیگر آن حزب توده) با جنبش ناسیونالیسم پروغرب (به سرگردگی سلطنت طلبان) است که قدرت را بدست دارد. در کودتای ۲۸ مرداد این سلطنت طلبان هستند که علیه مصدقی ها کودتا میکنند و قدرت را حفظ میکنند. اما در "کودتای سی خرداد" صحنه سیاست ایران کاملا متفاوت است. اولاً

سلطنت طلبان با انقلاب ۵۷ کنار رفته و حضور جدی ندارند، ثانیاً بین جناح های مختلف جنبش ملی اسلامی که بعد از شاه قدرت را گرفته اند هنوز دعواست و (او از جمله دعوی "لیبرال ها" و "حزب جمهوری اسلامی")، ثالثاً این دعوی جناحی فقط زمینه و بهانه ای است تا حکومت اسلامی برای تثبیت خود علیه دشمن واقعی اش یعنی همان انقلاب ۵۷ و جنبش سوم برآمده از دل آن دست به کودتا بزند. بی بی سی یک جنبش عظیم اجتماعی را در تاریخ نگاری خود حذف میکند به این امید که در واقعیت هم حذف شود. اسم ریاکاری برای این کم است. این نوعی بلاهت ناگزیر است. همان بلاهتی که به سراغ هر جریانیه می آید که تاریخاً عمرش به سر آمده و واقعیت مسلم را منکر میشود. واقعیت این است که اکنون آن جنبش و نیروهایی اجتماعی که پایه انقلاب ۵۷ و طرف اصلی سی خرداد ۶۰ خمینی بود مجدداً و با قدرت بیشتر سر بلند کرده است. اگر ۳۰ سال پیش خمینی و جمهوری اسلامی با نسل کشی سی خرداد ۶۰ آن جنبش و انقلابش را به خاک و خون کشید، دو

## در همبستگی با ...

دیکتاتورها و نظام سرمایه داری که مولد آنهاست رها شوند. لذا هنگامی که شما زیر رگبار گلوله و حملات تانک های رژیم اسد پرچم جمهوری اسلامی را به آتش میکشید در عین حال دارید حرف دل مردم ایران را میزنید. هراندازه که مبارزه و انقلاب شما ریشه های استبداد و ارتجاع و بی حقوقی در سوریه را بیرون کشد، هر اندازه که شما در برقراری آزادی و برابری و رفاه و یک حکومت سکولار و مستقیماً برآمده از اراده مردم انقلابی پیش روید، به همان درجه تلاش توده های پیاخاسته در همه جا و بویژه مبارزه مردم ایران علیه رژیم جنایتکار اسلامی را تقویت خواهید کرد. از این فرصت استفاده کرده و از مردم ایران و بویژه زنان و مردان آزادیخواه ساکن خارج از کشور دعوت میکنم که بهر وسیله ممکن اتحاد و همبستگی خود را با مبارزات آزادیخواهانه و انقلابی مردم سوریه اعلام دارند. فعالانه به میدان بیایند و جنایات بی سابقه دولت سوریه و خصوصاً همکاری

سال پیش همان جنبش مجدداً بپا خاست و دست بر قضا در سی خرداد ۸۸ و با تبدیل شدن ندا آقا سلطان به یک قهرمان جهانی اعلام کرد که تاریخ دست به دست شدن قدرت سیاسی و سرنوشت مردم ایران صرفاً توسط جنبش های پوسیده و ارتجاعی بورژوازی و طبقه حاکم تمام شده است. اکنون نیروی سومی وجود دارد که جهانی آزاد و برابر و انسانی میخواهد. \*

۱- به "تاریخ شکست نخوردگان" از منصور حکمت رجوع کنید.

<http://hekmatarchive.net/fa/0910fa.html>

۲- برای مطالعه بیشتر به "یک انقلاب دو ضد انقلاب" از مصطفی صابر رجوع کنید.

<http://www.rowzane.com/fa/articles-archiev/42-mostafa-s/5659-1389-11-10-07-33-39.html>

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی در سرکوب خونین مردم سوریه را قویاً محکوم نمایند. نشان دادن همبستگی هرچه وسیعتر مردم سوریه و ایران يك پاسخ دندان شکن به رژیم اسلامی و متحد جنایتکارش در سوریه و همه دولتیهایی است که پنهان و آشکار از بقای بشار اسد و حکومت اش حمایت میکنند. حزب کمونیست کارگری به سهم خود برای تقویت این همبستگی تلاش خواهد کرد. بار دیگر به نمایندگی از سوی تک تک اعضا و دوستان حزب و همه زنان و مردانی که شب و روز برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکنند، به شما مردم انقلابی و قهرمان سوریه درود میفرستم و برایتان مشتاقانه در مبارزه برای سرنگونی رژیم جنایتکار و سفاک بشار اسد آرزوی پیروزی میکنم.

اصغر کریمی،  
رئیس هیات دبیران حزب کمونیست کارگری

۲ تیر ۱۳۹۰، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۱





يك كلام اجرای نسخه صندوق بين المللی پول برای گرفتن کمک تازه از این صندوق معترضند. دولت یونان در سال گذشته نیز در اوج بحران اقتصادی اش بخش زیادی از خدمات اجتماعی را کاهش داد و مالیاتها را افزایش داد. اما پس از اعتراضات وسیع مردم قول داد که این فشارها متوقف شود، اما با طرح جدید اقتصادی بار دیگر تشدید فشار بر مردم در دستور دولت قرار گرفته است. اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول اعلام کرده اند که اگر مجلس لایحه صرفه جویی دولت را تصویب کند، آخرین بخش از کمک ۱۱۰ میلیارد دلاری را، به حساب یونان واریز خواهند کرد. این کمک در قالب "بسته نجات یورو" تصویب شده است.

گفتنی است که ابعاد عظیم مبارزات مردم علیه بیکاری و سیاست ریاضت اقتصادی کشور، دولت پاپاندرو نخست وزیر این کشور را به مخاطره انداخته است. از جمله در پی تظاهرات هزاران نفره مردم در روز پنجشنبه ۱۶ ژوئن در آتن پایتخت این کشور و درگیر شدن جوانان با نیروی پلیس، پاپاندرو اعلام داشت که ممکن است کابینه خود را ترمیم کند. از سوی دیگر پاپاندرو که تلاش داشت با آندونیس ساماراس، رهبر حزب محافظه کار دموکراسی نوین، وارد ائتلافی بزرگ شود با شکست روبرو شد. اکنون این بن بست تا به آنجا رسیده است که پاپاندرو اعلام کرده است که حتی حاضر به کناره گیری از قدرت است. بنا بر خبرها تا سه شنبه ۱۳ ژوئن حزب سوسیالیست یونان که حزب حاکم است ۴ کرسی خود را از دست داد و در تظاهرات روز ۱۵ ژوئن یکی از نمایندگان این حزب نیز از مجلس استعفا داد. در برابر این بحران عظیم هیچ آلترناتیوی از سوی هیچ بخش از حاکمیت یونان و احزاب دست اندرکارش وجود ندارد. رهبران احزاب سیاسی در یونان در اواخر ماه مه نیز نتوانستند درباره جزئیات طرح کاهش هزینه های کشور به توافق برسند و موج اعتراض عظیم مردم را در برابر خود داشتند. اکنون نیز دولت یونان در مقابل بازپرداخت اقساط بدهی خود مانده است و اقتصاد این کشور به دریافت کمک های کلان از صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا متکی است. علیرغم اعتراضات و



## کارگران و مردم یونان تسلیم نمیشوند شهبلا دانشفر

بدين ترتيب در سایه حمایت پلیس نمایندگان وارد مجلس میشدند. خلاصه اینکه روز ۱۵ ژوئن شهر آتن یکپارچه اعتراض بود و درگیری میان مردم و پلیس حکومتی ۶۰ نفر از تظاهرکنندگان و ۳۶ نفر از افراد پلیس زخمی شدند. همانطور که اشاره شد دلیل اعتراضات مردم لایحه جدید دولت یونان تحت عنوان "صرفه جویی ملی" است. به گزارش رسانه های یونان، به موجب این طرح از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۵ در مجموع ۲۸ میلیارد دلار از بودجه عمومی کسر و به اصطلاح صرفه جویی خواهد شد. دولت همچنین برنامه چهار ساله ای را برای خصوصی سازی اعلام کرده است که ارزش آن به دهها میلیارد یورو می رسد و بیکارسازیهای گسترده ای را در پی دارد. هدف اصلی طرح اقتصادی جدید کسب شرایط دریافت وام ۱۱۰ میلیارد یورویی اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول و دریافت کمک های کلان مالی آنهاست. تا دولت بتواند از محل آن کسر بودجه خود را تامین کند. نتیجه مستقیم به اجرا درآمدن این طرح فشار به زندگی و معیشت مردم و حذف بخش بزرگی از تامین اجتماعی جامعه است.

این موضوع به آتش اعتراضات گسترده ای در میان بخش های مختلف جامعه دامن زده است. در این رابطه یکی از معترضین شرکت کننده در تظاهرات روز ۱۵ ژوئن در گفتگویی با سی ان ان میگوید: "این واقعا يك شوخی نیست. همسر من کار خود را از دست داده است و حقوق من ۱۲ درصد کاهش یافته است. دولت قصد دارد سیاست ریاضت اقتصادی را تشدید کند." همچنین يك دانشجوی معماری به سی ان ان میگوید: "آینده در این کشور محو شده است. پروژه ها متوقف شده است و من فکر می کنم رشته ای که من می خوانم بی نتیجه است."

مردم یونان به طرح جدید کاهش هزینه های عمومی، افزایش مالیاتها و شدت گرفتن بیکارسازیها تحت عنوان خصوصی سازی ها و در

روز چهارشنبه ۱۵ ژوئن، یونان شاهد اعتصابی سراسری بود و باری دیگر خیابانهای آتن پایتخت این کشور به صحنه اعتراضات و تجمعات بسیار گسترده و شکوهمند هزاران نفر از مردم علیه برنامه های ریاضتی دولت تبدیل شد. در این روز اتحادیه های کارگری کارگران را در همه بخش های دولتی و خصوصی به اعتصابی ۲۴ ساعته فراخوان داده بودند. در نتیجه این اعتصاب گسترده تردد در بنادر یونان مختل شده و کشتی ها و ادار شند بلون حرکت در جای خود منتظر بمانند و بسیاری از بانکها، ادارات و وسایل نقلیه عمومی و سایر خدمات همگانی به تعطیلی کشیده شد و سراسر یونان به حالت فلج درآمد. از سوی دیگر در این روز هزاران تن در آتن و یک شهر دیگر این کشور راهپیمایی کردند و همزمان چند هزار نفر از مردم و جوانان معترض در مقابل پارلمان این کشور در آتن دست به تظاهرات زدند.

در این روز قرار بود نمایندگان پارلمان با جورج پاپاندرو نخست وزیر یونان در مورد طرح جدید دولت و حذف بخش مهمی از هزینه های عمومی آن بحث و رای گیری کنند و تظاهرات مقابل پارلمان همزمان با آن سازمان یافته بود. از همین رو مردم معترض و اعضای جنبشی موسوم به "ناراضیان" در این روز در اطراف پارلمان جمع شده بودند. به گزارش سی ان ان، معترضان میگویند که در مقابل پارلمان یونان سپر انسانی ایجاد کرده اند تا مانع ورود نمایندگان بشوند، و آنها نتوانند قوانین جدیدی برای تشدید ریاضت اقتصادی تصویب کنند. هنگامیکه نمایندگان پارلمان و سیاستمداران از میان ازدحام مردم معترض عبور می کردند، تظاهرکنندگان با فریاد شعار "دزدها" از آنها استقبال میکردند. درگیری میان مردم و جوانان شدید بود. جوانان معترض بمب های آتش را به سوی ساختمان وزارت دارایی یونان پرتاب میکردند و پلیس نیز به سوی آنان گاز اشک آور شلیک میکرد و با این کار راه را برای ورود به پارلمان باز میکردند.

تظاهرات گسترده، در رای گیری پارلمان در روز ۱۵ ژوئن دولت این کشور توانست با اکثریتی ناچیز از سقوط نجات یابد اما مشکل جدی تر دولت این کشور به تصویب رساندن برنامه های ریاضت اقتصادی ای است که فریاد مردم را بلند کرده است و

عبور از این بی تردید برای حکومت ساده نخواهد بود. وضعیت یونان يك نمونه آشکار از بن بست سرمایه داری امروز جهانی است و موجی از اعتراضات کار و جنبش های اجتماعی اروپا را فرا میگيرد.\*

بدون شرح:

### جریمه های جدید "بد حجابی"

سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد که مبارزه با بد حجابی شدت بیشتری پیدا خواهد کرد و جریمه نقدی برای خانمهای بد حجاب در نظر گرفته شده است. سردار خاطر نشان کرد که ..گشت هاتف.. نیز مبارزه با رابطه نامشروع دختر و پسرها را زیره نظر خواهد گرفت و هر دختر پسری که توسط این گشت گرفته شود تحویل پزشکی قانونی خواهد شد و اگر رابطه جنسی بین این افراد باشه به صورت عقد دایم در خواهند آمد.....

جریمه های بد حجابی به این شرح می باشد :

عینک بالای سر ۱۸۰۰۰ تومان

مانتو کوتاه ۳۵۰۰۰ تومان

مانتو روشن مخصوصا (قرمز و سبز) ۳۵۰۰۰ تومان

لاک هر ناخن ۵۰۰۰ تومان

سولاریوم پوست ۲۵۰۰۰ تومان

موی روشن از ۵۰ هزار تومان تا ۱۵۰ هزار تومان

(به نقل از سایت ایرانیان دات کام)

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهبلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!